



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش ملی

آموزش برای همه

جمهوری اسلامی ایران

« ۱۳۷۹ - ۱۳۹۳ »

❖ نویسندگان گزارش:

یتسرا بحیرائی - سنن حلاجی - محمد زنده دل - مریم پورسلطانی - نسیم عزیزی - غلامرضا لشکر بلوکی - سهیلا نظری - مهدی نامجو نش.

ور. اروجلو - علی ابراهیم - خسرو امیر حسینی - عابدین بازگیر - سید حامد برکاتی -
عفت بلوسی - ریحانه حرم پناهی - مری حسام - مریم خاک رنگین - صدیقه رستا -
یدالله رمهری نژاد محمد نظیری - مهدی کتیری - زهرامحدری - مجتبی نجات بخش -
حسین بهمدی

❖ گروه همکار:

حیب اله امیری - شهید باستانی - محمد باقی زاده - علی ابر بندور - بهمن قره دانی
- عطاله کیشانی - اعظم السادات متینی - مسعود مصلح آبادی - فریبا نجاز زاده
احمد نفی زاده.



❖ **مدیر پروژه:** مهندس محمد دیمه ور

❖ **ناظر:** خلیل اله بابالو

❖ **هماهنگ کننده ملی:** دکتر رخساره فضلی

❖ **تدوین کنندگان نهایی:** دکتر علی الهیارترکمن -

دکتر رخساره فضلی - محمد جواد محسنی نیا

● **آدرس:** تهران = میدان فردوسی -

خیابان سپهبد قهرنی - وزارت آموزش و پرورش

تلفن: ۰۹۸۲۱۸۲۲۸۴۱۰۷

:





آموزش و دانش بر هر مردوزن مسلمان واجب است. پیام اسلام (ص)

پیشگفتار :



برنامه آموزش برای همه با تأکید بر توسعه و گسترش آموزش و پرورش در تمامی سطوح به منظور برقراری فرصت های برابر برای همه، حذف نابرابری های جنسیتی و بهبود تمامی جنبه های کیفی آموزش و پرورش به عنوان یک برنامه جهانی در سال ۲۰۰۰ در قالب تعهدی همگانی از سوی یونسکو (سازمان آموزشی، علمی، فرهنگی سازمان ملل) مطرح گردید. اهداف برنامه آموزش برای همه، در قوانین و برنامه های جمهوری اسلامی ایران، مورد توجه ویژه قرار دارد. طبق اصل سی قانون اساسی، دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و امکانات تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

همچنین بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) در سال ۱۳۵۷ فرمان تشکیل نهضت سوادآموزی را صادر فرمودند و رهبر معظم انقلاب

حضرت آیت الله خامنه ای در سال ۱۳۸۹ ریشه کنی بی سوادی تا پایان برنامه پنجم توسعه در دو محور انسداد مبادی بیسوادی و به صفر رساندن بیسوادی را ابلاغ نمودند.

در جمهوری اسلامی ایران، همگام با این برنامه فعالیت های متنوع و گسترده ای برای نیل به اهداف مصوب مورد پی گیری قرار گرفت. براساس تعهد مربوط، جمهوری اسلامی ایران نسبت به تدوین و اجرای سند ملی آموزش برای همه اقدام نموده و هدف گذاری های انجام شده در برنامه عمل ملی متناسب با شرایط آموزشی کشور همواره مورد نظارت و ارزیابی کلی بوده است. در سال ۱۳۸۶ این برنامه مورد سنجش و ارزیابی میان دهه (MDA) قرار گرفت و گزارش آن از سوی وزارت آموزش و پرورش در چار چوب نظارتی یونسکو تهیه شده است. در این گزارش با بررسی مجدد اهداف تعیین شده در سند ملی آموزش برای همه ایران، به تبیین وضعیت هر یک از اهداف ۶ گانه پرداخته شده، پیشرفت ها و دستاوردهای به دست آمده در کنار چالش های همچنان باقیمانده و پیش رو بیان گردیده؛ راهبردهای اتخاذ شده، عوامل موفقیت آمیز و بازدارنده نیز در ارتباط با هر یک از اهداف ۶ گانه ارایه شده است.

در یک نگاهی کلی می توان گفت روندهای مثبت و رو به رشد در طی سالهای اجرای برنامه اتفاق افتاده و بهبود در تمامی نشانگرهای آموزشی قابل مشاهده است. اما هنوز چالش های متعددی پیش رو است که امید می رود با عزم و اراده همه جانبه تمامی دست اندرکاران امور آموزشی کشور ضمن غلبه بر این چالش ها، بتوانیم به ارتقاء سطح کمی و کیفی آموزش و پرورش دست یابیم. این گزارش حاصل تشریک مساعی و همکاری ارزشمند کارشناسان داخل و خارج از وزارت آموزش و پرورش است و بر خود لازم می دانم از زحمات دلسوزانه و کوشش های خالصانه تمامی کارشناسان، همکاران و تدوین کنندگان این گزارش تشکر و قدردانی نمایم.

امید است که با استفاده از نتایج حاصل از این کار و با مشارکت همه جانبه همکاران محترم بتوانیم ضمن بهبود شرایط آموزش و پرورش کشور، توسعه همه جانبه پایدار مبتنی بر آموزش و پرورش کیفی را برای تمامی ایرانیان به ارمغان آوریم.

محمد دیمه ور

معاون وزیر و مدیر پروژه گزارش ملی

برنامه آموزش برای همه ۱۳۹۳ - ۱۳۷۹



- آموزش ابتدایی/۲۰
- ثبت نام خالص و ناخالص پایه اول ابتدایی (جذب پایه اول ابتدایی)/۲۱
- درصد ثبت نام خالص دوره ابتدایی/۲۱
- درصد ثبت نام ناخالص دوره ابتدایی/۲۲
- نرخ دسترسی پایه اول به پایه پنجم ابتدایی/۲۳
- درصد معلمان واجد شرایط دارای مدرک دانشگاهی در دوره ابتدایی /۲۳
- نسبت دانش آموز به معلم /۲۳
- آموزش راهنمایی تحصیلی (متوسطه اول)/۲۴
- درصد ثبت نام خالص در دوره راهنمایی تحصیلی /۲۴
- درصد ثبت نام خالص دوره راهنمایی تحصیلی /۲۵
- درصد دختران از کل دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی /۲۵
- نرخ گذر از دوره ابتدایی به دوره راهنمایی تحصیلی /۲۶
- ۲۶/۲- چالش های پیش رو /۲۶
- ۲۶/۳ (۲/۳) یادگیری و مهارت های زندگی برای جوانان و بزرگسالان /۲۷
- ۲۶/۳/۱ - تعریف هدف و دامنه آن /۲۷
- ۲۶/۳/۲- پیشرفت های حاصله بر مبنای نشانگرهای تعیین شده /۲۸
- درصد ثبت نام ناخالص دوره متوسطه /۲۸
- نرخ گذر ظاهری از دوره راهنمایی تحصیلی به دوره متوسطه /۲۸
- سهم دانش آموزان متوسطه فنی و حرفه ای و کاردانش از کل دانش آموزان متوسطه /۲۹
- سهم بخش دولتی و غیر دولتی در آموزش های فنی و حرفه ای غیر رسمی /۳۰
- ۲۶/۳/۳- چالش های باقیمانده و پیش رو/۳۱
- ۲۶/۴ (۲/۴) سواد آموزی بزرگسالان /۳۱
- ۲۶/۴/۱- تعریف هدف و دامنه آن /۳۱
- ۲۶/۴/۲- هدف گذاری انجام شده در سند برنامه ملی آموزش بر ای همه /۳۱
- ۲۶/۴/۳- پیشرفت های حاصله بر مبنای نشانگرهای تعیین شده /۳۲
- درصد با سوادی بزرگسالان ۱۵ سال به بالا/۳۲
- درصد با سوادی جوانان ۲۴ - ۱۵ ساله /۳۳
- درصد با سوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر/۳۴
- ۲۶/۴/۴- چالش های پیش رو /۳۵
- ۲/۵ (۲/۵) برابری جنسیتی/۳۵
- ۲۶/۵/۱- تعریف هدف و دامنه آن /۳۵
- ۲۶/۵/۲- هدف گذاری انجام شده /۳۶
- ۲۶/۵/۳- پیشرفت های حاصله بر مبنای نشانگرهای تعیین شده /۳۶

فهرست

پیش گفتار / ۲
سخن وزیر / ۵

فصل اول / مقدمه

- مروری بر وضعیت جغرافیایی ، جمعیت ایران / ۸
- الف) وضعیت جغرافیایی ایران / ۸
- ب) وضعیت جمعیت ایران / ۸
- ۱/۲) مروری بر وضعیت اقتصادی ایران / ۹
- الف) تولید ناخالص داخلی / ۹
- ب) بودجه عمومی دولت / ۹
- ج) هزینه های آموزشی / ۹
- ۱/۳) مروری بر برنامه های توسعه بخش آموزش و پرورش و پیوند آنها با برنامه آموزش برای همه / ۱۰
- برنامه سوم توسعه ۲۰۰۴-۲۰۰۰ / ۱۱
- برنامه چهارم توسعه ۲۰۰۹-۲۰۰۵ / ۱۱
- برنامه پنجم توسعه ۲۰۱۴-۲۰۱۰ / ۱۱
- ۱/۴) چالش های عمده ملی در بخش آموزش و پرورش / ۱۲
- ۱/۵) برنامه آموزش برای همه و تعهد کشور به اجرای آن / ۱۳

فصل دوم

مروری بر پیشرفت اهداف EFA در ایران

- ۲/۱-مراقبت اوان کودکی و آموزش پیش دبستانی/۱۵
- ۲/۱/۱- تعریف هدف /۱۵
- ۲/۱/۲- هدف گذاری در دوره آموزش پیش دبستانی /۱۶
- ۲/۱/۳- پیشرفت های حاصله بر مبنای نشانگرهای تعیین شده/۱۶
- آموزش پیش دبستان /۱۶
- درصد دانش آموزان ورودی به پایه اول ابتدایی که دوره پیش دبستان منسجم را گذرانده اند/۱۷
- نسبت نوآموز به مربی /۱۸
- سهم بخش غیر دولتی در آموزش پیش دبستان /۱۸
- برنامه های مراقبت و سلامت کودکان /۱۸
- ۲/۱/۴- چالش های پیش رو/۱۹
- ۲/۲) آموزش پایه (ابتدایی و راهنمایی تحصیلی «متوسطه اول»)/۱۹
- ۲/۲/۱- تعریف هدف/۱۹
- ۲/۲/۲- هدف گذاری در آموزش پایه /۱۹
- دوره ابتدایی/۱۹
- دوره راهنمایی تحصیلی /۲۰
- ۲/۲/۳- پیشرفت های حاصله بر مبنای نشانگرهای تعیین شده/۲۰



تغییرات جمعیتی ۵۲/
تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی ۵۳/
۴/۲ چالش های کلان فراروی اهداف شش گانه برنامه آموزش برای همه/۵۴
۴/۳ اولویت های آینده و چشم انداز توسعه بخش آموزش و پرورش ۵۷/

- شاخص برابری جنسیتی با سواد جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر و جوانان ۲۴ - ۱۵ ساله ۳۶/
- شاخص برابری جنسیتی در ثبت نام ناخالص آموزش پیش دبستانی ۳۶/
- شاخص برابری جنسیتی در نرخ ثبت نام خالص و ناخالص دوره ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه ۳۶/
- درصد دانش آموزان دختر از کل دانش آموزان در دوره های ابتدایی - راهنمایی تحصیلی و متوسطه ۳۷/
- درصد معلمان زن در دوره های مختلف تحصیلی ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه ۳۷/
- درصد مدیران زن از کل مدیران در دوره های مختلف تحصیلی ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه ۳۷/
- ۲/۵/۴ - چالش های پیش رو ۳۸/
- ۲/۶ (کیفیت آموزش ۳۸/
- ۲/۶/۱ - تعریف هدف ۳۸/
- ۲/۶/۲ - هدف گذاری برای ارتقاء کیفیت آموزش ۳۹/
- ۲/۶/۳ - پیشرفت های حاصله بر مبنای نشانگرهای تعیین شده ۴۰/
- ۲/۶/۴ - مهم ترین اقدامات انجام شده ۴۱/
- ۲/۶/۵ - چالش های پیش رو ۴۱/
- ۲/۷ (آموزش کودکان با نیازهای ویژه (کودکان استثنایی) ۴۱/
- ۲/۷/۱ - تعریف هدف و دامنه آن ۴۱/
- ۲/۷/۲ - وضعیت و پیشرفت نشانگرها ۴۱/
- ۲/۷/۳ - چالش های پیش رو ۴۳/

فصل پنجم نتیجه گیری و توصیه ها

- نتیجه گیری و توصیه ها ۶۰/
- ۵/۱ (نتیجه گیری و اصلی ترین یافته ها ۶۰/
- ۵/۲ توصیه ها و پیشنهادها ۶۲/
- ۵/۲/۱ - آموزش پیش از دبستان ۶۲/
- ۵/۲/۳ - یادگیری و مهارت های زندگی جوانان و بزرگسالان ۶۳/
- ۵/۲/۴ - سواد آموزی بزرگسالان ۶۳/
- ۵/۲/۵ - برابری جنسیتی ۶۳/
- ۵/۲/۶ - کیفیت آموزش ۶۴/
- ۵/۲/۷ - آموزش استثنایی و کودکان با نیازهای ویژه ۶۴/
- فهرست منابع ۶۵/

فصل سوم

مروری بر راهبردهای آموزش برای همه

- فصل ۳ - مروری بر راهبردهای آموزش برای همه ۴۵/
- ۳/۱ آموزش اوان کودکی ۴۵/
- ۳/۱/۱ - راهبردهای اتخاذ شده ۴۵/
- ۳/۲ آموزش پایه ۴۶/
- ۳/۲/۱ - راهبردهای اتخاذ شده ۴۶/
- ۳/۴ سواد آموزی بزرگسالان ۴۸/
- ۳/۴/۱ - راهبردهای اتخاذ شده ۴۸/
- ۳/۵ ارتقاء برابری جنسیتی ۴۹/
- ۳/۵/۱ - راهبردهای اتخاذ شده ۴۹/
- ۳/۶ کیفیت آموزش ۵۰/
- ۳/۶/۱ - راهبردهای اتخاذ شده ۵۰/

فصل چهارم

حلیل چالش های کلان و اولویت های توسعه آموزش و پرورش

۴/۱ تحلیل چالش های کلان جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی ۵۲/

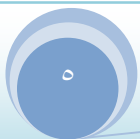


سخن وزیر

نظام های برنامه ریزی اثربخش با قابلیت انعطاف پذیری کارا تاکید دارند. رویکردهای نوین آموزشی و پرورشی در چهار حوزه اصلی «برنامه ریزی نتیجه محور» در نظام برنامه ریزی آموزشی، «مدیریت مدرسه محور» در مدیریت واحدهای آموزشی، «مدیریت معلمان» در مدیریت منابع انسانی و «مشارکت بخش دولتی - غیر دولتی» در مدیریت منابع مالی قابل دسته بندی بوده و همگی بر ارتقاء کیفیت فعالیت های آموزشی و پرورشی متمرکز هستند.

بازتعریف فرآیندها به منظور به روز رسانی و چابک سازی نظام آموزشی در کنار سایر شرایط محیطی ناشی از رویکردهای توسعه ای، سرعت تغییر در نظام آموزشی را افزایش داده و حرکت متعادل در مسیر رقابت های علمی - که پیش بینی می شود اصلی ترین شکل رقابت در دهه آتی باشد - را ضروری ساخته است. تحقق این هدف مستلزم برخورداری نظام آموزشی از سطح بهینه توسعه یافتگی است به گونه ای که در آن ضمن این که تمامی اعضای جامعه هدف از تضمین برخورداری از فرصت های برابر آموزشی و زمینه لازم برای ارتقاء کمی و کیفی آموزشی برخوردار باشند، نظام آموزشی نیز فرصت تغییر مسیر از دیدگاههای کمی به رویکردهای کیفی و درونی کردن کاربرد فناوری های نوین را در فرآیندهای اجرایی خود داشته باشد. برای شکل

نقش آموزش و پرورش از ابعاد مختلف در پیشبرد اهداف توسعه انکار ناپذیر است زیرا به باور بسیاری از کارشناسان، آموزش و پرورش هم هدف توسعه است و هم ابزار توسعه. این کارکرد دو گانه، ماهیتی کاملا متغیر و متأثر از شرایط محیطی برای این بخش بوجود آورده است. الگوهای متعدد و متنوعی بر برنامه ریزی بخش آموزش و پرورش تاثیر گذار هستند که در شرایط مختلف زمانی و مکانی اشکال مختلف به خود می گیرند. ورود به هزاره سوم، سرآغاز تعریف رویکردهای نوینی به کارکردهای آموزشی و پرورشی بوده است. باز تعریف نقش آموزش و پرورش و نتایج اقتصادی - اجتماعی حاصل از آن، دیدگاههای جدیدی را برای این بخش بوجود آورده است که همگی بر ضرورت استقرار





گیری این شرایط، که نوعی تعهد ملی - بین المللی محسوب می شود، سیاستگذاری های قابل توجهی به انجام رسیده که یکی از آنها اجرای «برنامه آموزش برای همه» است.

اجرای برنامه آموزش برای همه در شرایطی مورد تعهد قرار گرفت که نظام آموزش و پرورش کشور از نظر الزامات کمی توسعه بخش، وارد شرایط ثبات شده بود. اگر چه سیاست های مندرج در این برنامه با سیاستهای ملی توسعه آموزشی و پرورشی کشور همسو بود اما از یک سو فرصت بازتعریف نقش مجموعه کارشناسان وزارت آموزش و پرورش را در سطوح مختلف ملی و استانی در شکل گیری نگاهی منسجم به فرآیند توسعه همه جانبه بخش و از سوی دیگر، مجال معرفی توان کارشناسی جمهوری اسلامی ایران - که بدون دریافت کمکهای مالی یا تخصصی از جامعه جهانی به دستاوردهای قابل توجهی دست یافته اند - را به عرصه بین الملل فراهم نمود. تفوق کارشناسی در این حوزه که در سال ۱۳۸۳ منجر به تنظیم «سند ملی برنامه آموزش برای همه» گردید، تعامل اثربخشی را برای در کنار هم قرار گرفتن مجموعه های کارشناسی درون و بیرون وزارت آموزش و پرورش و همکاری بین بخشی به وجود آورد و هدف گذاری های انجام شده در آن، یکی از جهت گیری های اصلی در تدوین اسناد توسعه بخش محسوب می شد. همچنین ارزیابی های دوره ای از اجرای این برنامه - که عمده ترین آن در

ارزیابی میان دهه برنامه در سال ۱۳۸۶ انجام شد - تصویر دقیقی از پیشرفت های بخش ارائه می نمود. گزارش حاضر که تحلیلی است از برنامه آموزش برای همه در طول اجرای آن در جمهوری اسلامی ایران، دستاوردهای نظام آموزشی کشور در اجزاء شش گانه و مهم زیر نظام های آموزشی ارائه داده و آخرین وضعیت نشانگرهای آموزشی را به نحوی ارائه نموده است که می توان بر اساس آن تحلیل دقیقی از سطح توسعه یافتگی نظام آموزشی به دست آورد. اهمیت دیگر گزارش حاضر این است که اطلاعات به روز و کاربردی از کارکردهای بخش را در آستانه تدوین برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی فراهم نموده است. ضمن قدردانی از تلاش دست اندرکاران تنظیم گزارش ارزیابی برنامه آموزش برای همه، به تمامی کارشناسان وزارت آموزش و پرورش در حوزه های مختلف تاکید می نمایم ضمن بهره برداری مناسب از اطلاعات موجود، نسبت به برنامه ریزی برای رفع چالش های مورد اشاره در این گزارش و تقویت زمینه هایی که منجر به ارتقاء نظام آموزشی و پرورشی کشور می شود، اهتمام جدی داشته باشند.

علی اصغر فانی

وزیر آموزش و پرورش



فصل اول :

مقدمه





نرخ معادل ارز به قیمت رسمی در سال ۱۳۷۹ معادل ۱۰۹۶ دلار بوده که در سال ۱۳۸۳ به حدود ۲۳۲۴ دلار می رسد. و بالاخره در سال ۱۳۹۰ به رقم ۶۸۶۹ دلار بالغ شده است.

ب) بودجه عمومی دولت:

بودجه عمومی دولت به عنوان جامع ترین برنامه مالی سالانه یکی از ابزارها و سیاست های مالی بشمار می رود. که بطور مستقیم و غیر مستقیم بر عملکرد اقتصادی تأثیر می گذارد. دولت از طریق ارایه کالاهای عمومی از قبیل آموزش، بهداشت و درمان، تأمین اجتماعی و پژوهش تأثیری مستقیم بر رشد اقتصادی دارد. بودجه عمومی دولت در طی دوره ۹۱ - ۷۹ به قیمت جاری تقریباً ۹ برابر شده است. سهم هزینه های جاری در بودجه عمومی دولت از ۶۸/۸ درصد در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰) به حدود ۸۳/۶ درصد در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲) افزایش یافته است و سهم بودجه عمومی دولت نیز از GDP در طی این دوره از ۲۱/۷ درصد در سال ۱۳۷۹ به حدود ۱۵/۷ درصد در سال ۱۳۹۱ تغییر یافته است.

ج) هزینه های آموزشی:

حجم مصارف آموزش در بودجه عمومی دولت (تمامی سطوح آموزشی) از ۲۶۴۹۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ به حدود ۱۷۵۴۹۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۰ رسیده است. سهم اعتبارات آموزشی در بودجه عمومی دولت از GDP در سال ۱۳۷۹ (سال ۲۰۰۰) حدود ۴/۶ درصد بوده که در سال ۱۳۹۰ به حدود ۲/۹ درصد رسیده است. به علاوه سهم هزینه های آموزشی از بودجه عمومی دولت نیز از ۲۱/۱ درصد در سال ۱۳۷۹ به حدود ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در طی این دوره نیز سهم هزینه های آموزش پایه و عمومی (۳- ۱ Isced) از کل هزینه های آموزشی نیز با تغییراتی

کشور را جوانان تشکیل می دهند. امید به زندگی در ایران معادل ۷۳/۴ سال است.^۳

۱/۲) مروری بر وضعیت اقتصادی ایران

جمهوری اسلامی ایران طی سال های (۹۴-۱۳۷۹) یا (۲۰۱۵ - ۲۰۰۰) دو برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی را پشت سر گذاشته و در اواسط برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) خود قرار دارد. تغییرات اقتصادی ایران در چارچوب برخی از متغیرها و شاخص های اقتصادی همچون تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی سرانه، بودجه عمومی دولت سهم آن از GDP به تصویر کشیده شده است.

الف) تولید ناخالص داخلی:

تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت جاری از ۵۷۴۶۹۳ میلیارد ریال در یال ۱۳۷۹ (سال شروع برنامه سوم توسعه) به حدود ۱۳۸۴۸۱۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ بالغ گشته است که رشد اقتصادی در این دوره بطور متوسط در حدود ۵/۵ درصد بوده است. روند افزایش GDP تا سال های اخیر ادامه داشته بطوریکه میزان آن در سال ۱۳۸۵ به حدود ۲۰۳۸۴۳۲ میلیارد ریال تغییر یافته است و در سال ۱۳۹۱ به رقم ۶۷۵۷۰۹۰ میلیارد ریال رسیده است. در سال های مذکور نیز رشد اقتصادی به ترتیب ۶/۴ درصد (سال ۱۳۸۵) و منفی ۵/۸ درصد (سال ۱۳۹۱) بوده است. سرانه GDP با فرض

^۳ - معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور - گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۱۳۹۱ - جلد اول - (فرابخشی)



به عبارت دیگر این برنامه ها سعی داشته اند با مداخله در شرایط حاکم بر محیط بیرونی و درونی بخش آموزش و پرورش، زمینه تدریجی ارتقاء وضعیت و بهینه سازی وضعیت آموزشی در کشور را فراهم کند

در تدوین برنامه های توسعه، نتایج ناشی از پژوهش ها و نیازسنجی های انجام شده در مناطق مختلف کشور که بیانگر چالش های عمده فراروی بخش آموزش و پرورش نیز بوده اند، نقش اساسی داشته اند و سیاست های اجرایی این برنامه ها نیز عمدتاً بررفع این چالش ها متمرکز بوده است. در یک طبقه بندی کلی می توان سیاست های کلی برنامه های توسعه بخش آموزش و پرورش را در دوره مورد بررسی در جدول زیر خلاصه کرد.

چند روبرو بوده است. بطوریکه در سال های ۱۳۷۹ (۲۰۰۰) در شروع برنامه آموزش برای همه معادل ۷۵ درصد بوده که نسبت به GDP نیز سهمی معادل ۳/۵ درصد داشته است. که در سال ۱۳۹۰ حدود ۶۸/۲ درصد از هزینه های آموزشی صرفاً به هزینه های آموزش و پرورش اختصاص داده شد. سهم GDP نیز به حدود ۲ درصد کاهش می یابد اما هزینه های آموزش عالی در سال ۱۳۷۹ معادل ۱۹/۷ درصد از هزینه های آموزشی را به خود اختصاص داده است و سهم از GDP معادل ۰/۸ درصد بوده است. اما در سال ۱۳۹۰ سهم آموزش عالی از کل هزینه های آموزشی به ترتیب به ۲۷/۲ درصد تغییر می یابد. و سهم از GDP آن نیز برابر با ۰/۸ درصد است.

۱/۳) مروری بر برنامه های توسعه بخش آموزش و

پرورش و پیوند آنها با برنامه آموزش برای همه

کشور جمهوری اسلامی ایران از نظر وسعت، تنوع قومی و فرهنگی، پراکندگی جمعیت و ویژگی های خاص اقتصادی - اجتماعی متعددی دارد. از این رو در برنامه های پنج ساله توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور سیاست های متنوعی برای متعادل کردن شرایط ناظر بر اجرای برنامه های آموزشی مدنظر قرار داشته است. در طی دوره مورد بررسی (۲۰۱۵ - ۲۰۰۰) سه برنامه توسعه در جمهوری اسلامی ایران در آمده است. رویکرد کلی این برنامه ها «نتیجه محوری» بوده است.





برنامه پنجم توسعه ۲۰۱۴ - ۲۰۱۰	برنامه چهارم توسعه ۲۰۰۹ - ۲۰۰۵	برنامه سوم توسعه ۲۰۰۴ - ۲۰۰۰	
<ul style="list-style-type: none"> ✓ توسعه دوره متوسطه فنی و حرفه ای ✓ توسعه رشته متوسطه علوم انسانی ✓ ایجاد توازن بین رشته های تحصیلی دوره متوسطه متناسب با نیاز اجتماعی ✓ آموزش حداقل یک مهارت به دانش آموزان متوسطه نظری ✓ اجرای برنامه های آموزشی جهت ارتقاء سلامت جسمانی و روانی دانش آموزان ✓ توسعه نظام مشاوره دانش آموزی ✓ افزایش سرانه فضاهای ورزشی دانش آموزی ✓ بهینه سازی استفاده منابع مالی، انسانی و فیزیکی از طرق مختلف ✓ تقویت استفاده از گویش محلی و ادبیات بومی در مدارس ✓ توسعه آموزش دانش آموزان با نیازهای خاص از طریق آموزش های فراگیر 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ توسعه منطقه ای و رفع نابرابری ها ✓ نوسازی، مقاوم سازی و استاندارد سازی مدارس ✓ وضع مقررات برای جذب و نگهداشت معلمان در مناطق کمتر توسعه یافته ✓ گسترش مدارس شبانه روزی ✓ توسعه آموزش از راه دوره و رسانه ای ✓ گسترش فضاهای پرورشی و ورزشی ✓ گسترش دوره های آمادگی و پیش دبستانی بویژه در مناطق روستایی و دوزبانه 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ توسعه منطقه ای و رفع نابرابری ✓ معیار سازی برای جذب و ارتقاء منابع انسانی بویژه معلمان ✓ استاندارد کردن فضا های آموزشی ✓ حمایت از توسعه و ساخت مدارس در مناطق مختلف ✓ تجهیز منابع جدید مالی برای بخش آموزش و پرورش علاوه بر منابع دولتی 	درونداد
<ul style="list-style-type: none"> • تحول برنامه های آموزشی، پرورشی و درسی • هدایت تحصیلی براساس علایق و ویژگی های دانش آموزان • اصلاح نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی • استقرار نظام تضمین کیفیت آموزش • سنجش و ارتقاء صلاحیت حرفه ای معلمان • بکارگیری فناوری ICT در کلیه فرایندهای آموزشی جهت تحقق عدالت آموزشی • ایجاد تعامل با نظام آموزش عالی، نظام غیررسمی فنی و حرفه ای و سایر کشورها و سازمان های بین المللی • تضمین دسترسی به فرصت های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و منطقه 	<ul style="list-style-type: none"> • حمایت از اجرای برنامه آموزش برای همه • افزایش طول دوره آموزش اجباری تا پایان دوره راهنمایی • استقلال مالی، مدیریتی و اجرایی مدارس • اصلاح برنامه های آموزشی با هدف ارتقاء کیفیت دروس ریاضی، علوم و زبان انگلیسی • ارتقاء حرفه ای و بالا بردن انگیزه شغلی معلمان • تدوین نظام سنجش صلاحیت علمی و رتبه بندی معلمان • تدوین و اجرای طرح راهبردی سواد آموزی با هدف ریشه کنی بیسوادی در افراد زیر ۳۰ سال • بهره گیری از فناوری ICT در تدوین و اجرای برنامه های درسی 	<ul style="list-style-type: none"> • از میان بردن عوامل زمینه ساز افت تحصیلی • توسعه مشوق های اجتماعی برای بالا بردن انگیزه شرکت در آموزش • مقررات زدایی و ایجاد انعطاف های لازم در نظام آموزشی • ارتقاء شأن، جایگاه و منزلت اجتماعی و حرفه ای معلمان • متناسب کردن تقویم آموزشی مدارس با شرایط خاص اقلیمی و جغرافیایی 	فرآیند





رشد خوبی دست یافته است. اما با وجود تجربه های ارزشمندی که در این خصوص بدست آورده همچنان با برخی از چالش ها رو در رو بوده است. برخی از این چالش های عمده که با استفاده از مطالعات توسعه ملی شناسایی شده اند، عبارتند از:

- دولتی بودن روندهای اجرایی، استفاده اندک از منابع بخش غیردولتی و محدودیت در منابع مالی عمومی
 - تک تألیفی بودن برنامه درسی و محدود بودن زمینه بروز ویژگی های متنوع فرهنگی در برنامه های موجود
 - « معلم - کتاب محوری » روش های یاددهی - یادگیری
 - کند بودن روند انطباق فرآیندهای آموزشی با تغییرات فناورانه بویژه فناوری ICT
 - وجود نارضایتی شغلی در بین معلمان
 - پایین بودن کیفیت روندهای مدیریتی (بویژه مدیریت معلمان)، اداری و آموزشی
 - عدم وجود همکاری بین بخشی مؤثر و کارآمد در توسعه نظام آموزشی
- برای مقابله با چالش های اساسی که نتیجه فعالیت های آموزشی و پرورشی در کشور است، در برنامه های توسعه

همان طور که در جدول فوق اشاره شد، در برنامه های توسعه سعی بر آن بوده است تا با مداخله دولت در دروندادها و فرآیندهای آموزشی متناسب با شرایط خاص هر دوره زمانی، مجموعه ای از سیاست های زنجیره ای، زمینه ساز توسعه و ارتقاء بخش آموزش و پرورش شوند. از سوی دیگر، مرور اهداف و استراتژی های برنامه آموزش بر ای همه نشان دهنده انطباق سیاست های برنامه های توسعه ملی بخش آموزش و پرورش با ماهیت « هدف محوری » اهداف شش گانه آموزش برای همه بوده و در شرایط زمانی مختلف متناسب با توان اجرایی و ظرفیت های ایجاد شده در بخش، هماهنگی لازم میان استراتژی های ملی و استراتژی های ۱۲ گانه برنامه آموزش برای همه وجود داشته است.

۱/۴) چالش های عمده ملی در بخش آموزش و

پرورش

نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در طول سه دهه گذشته روندهای کمی پر تلاطمی را پشت سر گذاشته و با حجم وسیعی از تقاضای اجتماعی در مناطق مختلف کشور روبرو بوده و توانسته است سطح قابل قبولی از بهبود نشانگرهای آموزشی را ارائه نماید. به عبارت دیگر می توان چنین نتیجه گیری نمود که نظام آموزش و پرورش ایران در روند توسعه کمی فعالیت های آموزشی و پرورشی به



سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ردیف اعتباری خاص در قانون بودجه کشور به این امر اختصاص یافت. جهت تسهیل زمینه های قانونی برنامه آموزش برای همه در کشور و تعیین ساختار اجرایی آن، «کارگروه ملی برنامه آموزش برای همه» به ریاست وزیر وقت آموزش و پرورش و با حضور نمایندگان وزارتخانه ها و سازمان های مختلف تشکیل گردید. سپس سند ملی برنامه آموزش برای همه جمهوری اسلامی ایران تدوین و در هیات دولت تصویب شد. (سال ۱۳۸۳) همچنین با لحاظ نمودن اهداف و راهبردهای برنامه آموزش برای همه، در برنامه های پنج ساله چهارم و پنجم توسعه ی کشور، اجرای آن در اولویت قرار گرفت. برنامه آموزش برای همه از سال ۲۰۰۰ تا کنون از طریق تامین اعتبار لازم برای هزینه های مربوط به مدیریت و هماهنگی برنامه پیگیری شده است. تحقق اهداف برنامه در گروه های مختلف، آموزش های پیش دبستانی، ابتدایی و متوسطه و آموزش های خاص (استثنایی) و مهارت آموزی و سوادآموزی بزرگسالان؛ با رویکرد توجه خاص به مناطق محروم و اقشار آسیب پذیر جامعه با همکاری سایر سازمان ها و نهادهای مرتبط تداوم داشته است.

در جمهوری اسلامی ایران، با توجه به اهدافی که برنامه آموزش برای همه دنبال می نماید، اهمیت برنامه از سوی مسئولان و برنامه ریزان کشور مورد توجه و تأکید بوده است.

جهت گیری های اصلاح شده ای نسبت به برنامه ریزی و توسعه بخش آموزش و پرورش اتخاذ شده است. مهم ترین جهت گیری اصلاح شده ای که در این بخش بکار گرفته شده، تدوین «سند تحول آموزش و پرورش» بوده است که به عنوان چارچوب مبنایی ایجاد تحول و ارتقاء کیفیت در بخش قلمداد شده و مقرر گشته است برنامه های آتی توسعه آموزش و پرورش، بر مبنای این سند تدوین گردد. از این رو، بزرگترین و مهم ترین سیاستگذاری های ملی که در این بخش به انجام خواهد رسید، بر مبنای یک سند تحولی مبتنی بر ارتقاء کیفیت خواهد بود که محورهای هفت گانه نظام آموزشی شامل مشارکت در آموزش، دسترسی به آموزش، کارایی داخلی، اثربخشی بیرونی، مدیریت مدرسه محور، مدیریت منابع انسانی و مدیریت منابع مالی را مورد توجه و برنامه ریزی قرار خواهد داد.

۱/۵) برنامه آموزش برای همه و تعهد کشور به اجرای آن:

برای عمل به تعهدات اجلاس داکار در ایران، در سال ۱۳۷۹ همزمان با تدوین استراتژی های جهانی برنامه آموزش برای همه، «ستاد پیگیری برنامه آموزش برای همه» با مسئولیت وزارت آموزش و پرورش تشکیل و دبیرخانه آن در معاونت آموزش عمومی مستقر شد. در اواخر سال ۱۳۸۰، به منظور کمک به اجرای برنامه آموزش برای همه با همکاری



فصل دوم :

مروری بر پیشرفت اهداف EFA در ایران



مدرسه پیروزی روستای شادی کلک
منطقه بم پشت
موضوع برگزاری مراسم آغازین
عکاس: عبدالستار حبیبی



مروری بر پیشرفت اهداف EFA در ایران

لازم به ذکر است که آموزش پیش دبستانی به صورت اختیاری بوده و تمامی کودکان در سنین مربوطه در این دوره وارد نمی شوند.

۲/۱/۲- هدف گذاری در دوره آموزش پیش دبستانی:

در سند ملی برنامه آموزش برای همه در ایران گروه هدف دوره آموزش پیش دبستان در وزارت آموزش و پرورش کودکان ۵ ساله در نظر گرفته شده است که با همکاری سایر سازمان ها و بخش غیر دولتی این کودکان تحت پوشش آموزش پیش دبستانی قرار می گیرند. به علاوه پس از تحت پوشش قرار گرفتن کلیه کودکان ۵ ساله نسبت به جذب کودکان ۴ ساله نیز اقدام خواهد شد. تأکید بر برخورداری کلیه کودکان از آموزش پیش دبستانی متناسب با منابع و امکانات بالقوه در کشور صورت خواهد گرفت. خطوط کلی هدف گذاری در این دوره طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ بشرح زیر بوده است:

- افزایش پوشش جمعیت ۵ ساله در آموزش پیش دبستانی از ۴۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۹۰ درصد در سال ۲۰۱۴
- افزایش پوشش جمعیت ۵ ساله روستایی در آموزش پیش دبستانی از ۲۴/۴ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۸۵ درصد در سال ۲۰۱۴

در این فصل از گزارش مروری بر پیشرفت ها و دستاوردهای حاصل در راستای تحقق اهداف شش گانه «آموزش برای همه» در طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ صورت گرفته است. کاستی ها و چالش های پیشرو در هر یک از اهداف تبیین شده است.

۲/۱- مراقبت اوان کودکی و آموزش پیش دبستانی

۲/۱/۱- تعریف هدف:

برنامه مراقبت و آموزش اوان کودکی متضمن بقاء سلامت و رشد و پرورش کودکان در ابعاد جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی است. در کشور ایران، مراقبت های دوران کودکی شامل مراقبت و آموزش مادران پیش از ازدواج، قبل و حین بارداری و بعد مراقبت از کودکان تا سن ۸ سالگی است. همچنین آموزش برنامه ریزی شده کودکان خردسال از سن ۴ سالگی آغاز و تا سن ورود به دوره ابتدایی (۶ سالگی) ادامه می یابد. اما در حال حاضر گروه هدف آموزش پیش دبستانی کودکان ۵ ساله را دربر می گیرد. آموزش پیش دبستانی به صورت دولتی و غیردولتی اجرا می شود. علاوه بر آن سازمان بهزیستی در ایران نیز در مراکز مهدکودک زیر نظر خود کلیه نوزادان تا سن ۴ سالگی را تحت پوشش دارد. و در مراکز پیش دبستانی نیز کودکان در سن ۵ سالگی راتحت پوشش آموزش پیش دبستانی قرار می دهد.



دبستان را گذرانده اند، نرخ ثبت نام در بخش غیردولتی، و نرخ ثبت نام ناخالص کودکان ۵ ساله در سازمان بهزیستی کشور، و نسبت نوآموز به مربی ارایه می شود.

• نرخ ثبت نام ناخالص دوره پیش دبستان در طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳:

نرخ ثبت نام ناخالص این دوره که توسط وزارت آموزش و پرورش و سایر دستگاه ها اجرا شده است در سال ۲۰۰۰ معادل ۲۹/۳ درصد بوده است که در طی این دوره زمانی ابتدا در سال ۲۰۰۶ به حدود ۷۰ درصد افزایش می یابد (ارزیابی میان دهه) و سپس با سیر نزولی به ۵۵ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش می یابد. عامل مؤثر در کاهش آن عدم اجرای دوره توسط مراکز دولتی وابسته به وزارت آموزش و پرورش بوده است. نرخ ثبت نام ناخالص در مناطق



روستایی نیز در سال ۲۰۰۰ معادل ۹/۸ درصد بوده که در سال ۲۰۰۶ حدود ۵ برابر شده به ۵۲/۸ درصد رسیده است. اما در طی سال های اخیر این نرخ ثبت نام ناخالص کودکان ۵ ساله روستایی به حدود ۴۹/۶ درصد در سال ۲۰۱۳ تغییر یافته است.

- افزایش سهم بخش غیردولتی در تحت پوشش قراردادن کودکان ۵ ساله از ۲۳/۷ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۶۰ درصد در سال ۲۰۱۴
- افزایش سهم کودکان تحت پوشش آموزش پیش دبستان روستایی از کل کودکان آموزش پیش دبستان از ۱۸/۹ درصد در سال ۲۰۰۳ به حدود ۳۰/۴ درصد در سال ۲۰۱۴
- افزایش درصد مربیان دارای صلاحیت دانشگاهی در آموزش پیش دبستان از ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۳ به حدود ۹۵ درصد در سال ۲۰۱۴
- افزایش سهم دختران دوره آموزش پیش از دبستان از کل جمعیت ۵ ساله تحت پوشش این دوره، از ۴۸/۵ درصد در سال ۲۰۰۳ به حدود ۴۸/۹ درصد در سال ۲۰۱۴
- در این ارتباط سیاست های مورد تأکید بشرح زیر بوده است:
- توسعه آموزش پیش دبستان در فضاهای آموزشی دولتی و تشکیل کلاس های خانگی - راه اندازی مراکز سیار و شیوه های انعطاف پذیر
- ارتقاء مشارکت بخش غیردولتی و سازمان های غیر دولتی در توسعه این دوره
- ارتقاء ضریب امنیت و رضایت شغلی مربیان با حمایت های بیمه ای از آنان
- تدوین محتوای آموزشی به صورت غیر متمرکز متناسب با مهارت های پایه مورد نیاز کودکان

۲/۱/۳- پیشرفت های حاصله بر مبنای نشانگرهای تعیین شده

• آموزش پیش دبستان

به منظور تبیین پیشرفت های حاصله در طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ نشانگرهای نرخ ثبت نام ناخالص بر حسب دختر و پسر و روستایی، درصد دانش آموزان پایه اول ابتدایی که دوره پیش



شاخص برابری جنسیتی نیز در حدود ۱/۱ تقریباً ثابت بوده است. و همواره (به استثناء از پسران بوده است. و نرخ ثبت نام ناخالص کودکان ۵ ساله و هدف گذاری سال ۲۰۱۴ که معادل ۹۰ درصد بوده است، فاصله ای زیاد دارد. در ارتباط با نرخ ثبت نام کودکان ۵ سال روستایی نیز بین هدف تعیین شده (۸۵درصد) تا آنچه تحقق یافته (۴۹.۶درصد) فاصله ای بسیار زیاد وجود دارد.

نتیجه گیری کلی نشان می دهد که اتخاذ سیاست دولتی آموزش پیش از دبستان از مدارس دولتی تأثیر منفی خود را بر نرخ ثبت نام کودکان ۵ ساله در شهر و روستا گذاشته است. به علاوه توصیه های سیاستی پیشنهاد شده در سال ابتدای شروع برنامه آموزش برای همه (سال ۲۰۰۰) مورد توجه و اهتمام جدی قرار نگرفته است.



روندی کاهشی در سال ۲۰۱۳ به حدود ۳۱ درصد کاهش می یابد. این نسبت در بین دانش آموزان پایه اول روستایی نیز در سال ۲۰۰۰ در حدود ۳/۵ درصد بوده که ابتدا تا سال ۲۰۰۶ به ۳۴/۳ درصد افزایش می یابد و مجدداً با روند کاهشی به حدود ۱۹/۶ درصد می رسد. در این نشانگر نیز درصد دانش آموزان پایه اول دختر با تجربه دوره آموزش پیش دبستان بیش از پسران است. گرایش دختران در جذب به مراکز آموزش پیش دبستان همواره

• **درصد دانش آموزان ورودی به پایه اول ابتدایی که دوره پیش دبستان منسجم را گذرانده اند:**

وضعیت این نشانگر نشان می دهد که در سال ۲۰۰۰ تنها ۱۸/۴ درصد از دانش آموزان پایه اول، تجربه دوره آموزش پیش دبستانی آموزش و پرورش داشته اند و این نسبت در سال ۲۰۰۶ به حدود ۴۳/۵ درصد می رسد ولی متأسفانه مجدداً با



میزان کاهش نرخ ثبت نام ناخالص نیز در مناطق روستایی انجام شده است.

• برنامه های مراقبت و سلامت کودکان

در کشور ایران برنامه های مراقبت و سلامت کودکان در کنار ارائه خدمات به مادران به صورت نظام مند و در چارچوب شبکه مراقبت های اولیه بهداشتی در کشور توسط وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی انجام می شود. مهمترین اقدامات شامل مراقبت های ادغام یافته ناخوشی های اطفال، مراقبت های ادغام یافته کودک سالم، برنامه احیای کودکان همگام با سایر برنامه های بهداشتی در شبکه های بهداشتی اجرا می شود. از جمله تأمین یک وعده غذای گرم درمهد کودک های روستایی است که به منظور امنیت غذایی برای کودکان ۳ تا ۶ ساله مناطق محروم انجام می شود.

مهمترین اقدامات انجام شده در این ارتباط بشرح زیر بوده است:

- تعداد کودکان تحت پوشش یک وعده غذای گرم در مهد کودک های مناطق روستایی در سال ۲۰۱۱ به حدود ۱۶۵ هزار نفر رسیده است.
- ۵۳ درصد کودکان زیر ۶ ماهه منحصراً با شیر مادر تغذیه می شوند.
- در ۸۴/۲ درصد کودکان ۱۵ - ۱۲ ماهه و ۵۱ درصد کودکان ۲۳-۲۰ ماهه، تغذیه با شیر مادر تداوم داشته است.
- ۸۳ درصد از بیمارستان های کشور، بیمارستان دوستدار کودک هستند.

بیش از پسران است و خانواده ها نیز بدان پاسخ مثبت می دهند.

البته در مورد این نشانگر در سال ابتدای شروع برنامه آموزش برای همه هدفی تعیین نشده بود اما هر چه درصد ثبت نام خالص آموزش پیش دبستان افزایش یابد، نسبت دانش آموزان پایه اول با تجربه آموزشی پیش دبستانی افزایش یافته و انتظار می رفت که به رقمی بالای ۸۰ درصد افزایش یابد.

• نسبت نوآموز به مربی :

نسبت نوآموز به مربی مطابق هدف تعیین شده در برنامه آموزش برای همه کاهش از ۲۵ نفر در سال ۲۰۰۱ به ۲۳/۵ نفر در سال ۲۰۱۴ بوده است. آنچه که تحقق یافته است در حدود ۲۱ نفر است که با هدف تعیین شده در سند برنامه تناسب دارد.

• سهم بخش غیر دولتی در آموزش پیش دبستان

مراکز آموزش پیش دبستان به صورت غیر دولتی زیر نظر وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی فعالیت می کنند. در سال ۲۰۰۶ نزدیک به ۳۵ درصد از نوآموزان تحت پوشش مراکز غیردولتی بوده اند. اما این نسبت در سال ۲۰۱۳ به حدود ۱۰۰ درصد افزایش می یابد. در طی سال های اخیر با واگذاری اجرای این دوره به بخش غیر دولتی. تعداد کل نوآموزان این دوره کاهش یافته است. تأثیر آن در کاهش نرخ ثبت نام ناخالص در حدود ۱۰ درصد بوده است. بیشترین



تغییر یافته است. سن ورود به آموزش ابتدایی ۶ سال تمام است. این دوره آموزشی به استناد اصل سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین موضوعه دیگر رایگان و اجباری است. دومین دوره رسمی در نظام آموزشی کشور ایران، آموزش راهنمایی تحصیلی (متوسطه اول) است که قبل از سال ۱۳۹۰ (سال ۲۰۱۱) جمعیت گروه سنی این دوره ۱۱-۱۳ سال را شامل می گردید و با تغییر ساختار نظام آموزشی و افزایش یکسال به دوره ابتدایی. این دوره تحصیلی جمعیت گروه سنی ۱۲-۱۴ ساله را شامل خواهد شد. این دوره نیز در قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (سال های ۸۸ - ۱۳۸۴) اجباری اعلام گردید.

۲/۲/۲- هدف گذاری در آموزش پایه :

با توجه به پیش بینی های انجام شده در سند ملی برنامه آموزش بر ای همه طی سال های (۲۰۱۴-۲۰۰۰) روند افزایش کمی دانش آموزان در آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی تا حدودی به کندی انجام می شود و فرصت لازم در اختیار آموزش و پرورش کشور خواهد بود تا بتواند نسبت به افزایش نرخ ثبت نام خالص و پوشش تحصیلی کامل اقدام نماید. خطوط کلی هدفگذاری در این دوره ها بشرح زیر بوده است:

- **دوره ابتدایی**
- افزایش نرخ جذب خالص پایه اول ابتدایی در بین جمعیت ۶ ساله از ۹۷/۸ درصد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۹۹/۴ درصد در سال ۲۰۱۴
- کاهش نرخ جذب ناخالص پایه اول در جمعیت ۶ ساله از ۱۱۹/۲ درصد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۱۰۵ درصد در سال ۲۰۱۴
- افزایش نرخ ثبت نام خالص ابتدایی از ۹۵/۹ درصد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۹۹/۵ درصد در سال ۲۰۱۴

- کاهش مرگ و میر کودکان زیر یکسال و زیر ۵ سال به کمتر از ۱۷/۶ در هزار نفر
- افزایش دسترسی کودکان زیر ۸ سال به خدمات استاندارد شده کودک سالم.

۲/۱/۴- چالش های پیش رو

با وجود اقدامات انجام شده برخی از چالش های پیش رو در تحقق هدف یک عبارتند از :

- ضعف هماهنگی درون و برون دستگاهی در حوزه ارائه خدمات به کودکان و آموزش پیش دبستان
- ناکافی بودن امکان دسترسی به آموزش پیش دبستان به ویژه کودکان مناطق روستایی و محروم
- نبود یک سیاست مدون و مشخص و پایدار در زمینه توسعه و گسترش آموزش پیش دبستان
- نبود امنیت شغلی و عدم حمایت های بیمه ای مناسب برای مربیان آموزش پیش دبستانی
- سرمایه گذاری اندک در آموزش پیش دبستان و مراقبت های اوان کودکی

۲/۲ (آموزش پایه (ابتدایی و راهنمایی تحصیلی

«متوسطه اول»

۲/۲/۱- تعریف هدف:

دومین هدف از اهداف آموزش برای همه عبارتست از تضمین اینکه تا سال ۲۰۱۵ میلادی کلیه کودکان به ویژه دختران و اطلاق که در وضعیت دشوار قرار دارند و کودکان اقلیت های قومی به آموزش پایه اجباری و با کیفیت خوب و کامل دسترسی داشته باشند.

آموزش پایه در ایران در قالب آموزش ابتدایی و آموزش راهنمایی تحصیلی (متوسطه اول) در ساختار نظام آموزشی است. طول دوره آموزش ابتدایی تا سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) ۵ ساله بوده و از سال ۱۳۹۱ (سال ۲۰۱۲) به بعد به شش سال



توصیه های سیاستی (راهبردها) مورد تأکید در ابتدای برنامه آموزش برای همه به شرح زیر بوده است:

- تقویت همکاری های بین بخشی در جهت حمایت از خانواده های کم درآمد روستایی و محروم
- تنوع بخشی به شیوه های ارائه آموزش به کودکان لازم التعلیم به ویژه دختران با توجه به شرایط دانش آموزان
- پیش بینی سازوکارهای مناسب برای افزایش میزان مشارکت های مردمی و سازمان های مردم نهاد و غیردولتی
- توجه ویژه به آموزش مهارت های زندگی در قالب محتوای برنامه های درسی
- بازنگری و اصلاح سیستم جذب ، تربیت و نگهداشت و آموزش مداوم معلمان
- توسعه فعالیت های علمی - تخصصی معلمان
- استقرار نظام مشاوره و راهنمایی در دوره راهنمایی تحصیلی
- تقویت آموزش های از راه دور و آموزش رسانه ای و مکاتبه ای به ویژه برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی

۲/۲/۳- پیشرفت های حاصله بر مبنای

نشانه های تعیین شده:

- **آموزش ابتدایی**
به منظور تبیین پیشرفت های حاصله در طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ در آموزش پایه (شامل آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی) نشانگرهای نرخ ثبت نام خالص و ناخالص جذب پایه اول ابتدایی، نرخ ثبت نام خالص و ناخالص آموزش ابتدایی، نرخ دسترسی دانش

- کاهش نرخ ثبت نام ناخالص ابتدایی از ۱۱۹/۹ درصد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۱۰۲/۹ درصد در سال ۲۰۱۴
- افزایش نرخ ماندگاری از کلاس اول تا پایه پنجم ابتدایی از ۹۲ درصد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۹۴/۷ درصد در سال ۲۰۱۴
- افزایش درصد دختران در دوره ابتدایی از کل دانش آموزان از حدود ۴۷/۹ درصد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۴
- نسبت دانش آموز به معلم از ۲۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۲۳/۲ نفر در سال ۲۰۱۴
- نسبت معلمان دارای مدرک دانشگاهی از ۵۱/۶ درصد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۱۰۰ درصد در سال ۲۰۱۴

دوره راهنمایی تحصیلی

- افزایش نرخ ثبت نام خالص جمعیت ۱۱-۱۳ ساله در دوره راهنمایی تحصیلی از حدود ۷۶ درصد در سال ۲۰۰۱ به حدود ۸۵ درصد در سال ۲۰۱۴
- کاهش نرخ ثبت نام ناخالص جمعیت ۱۱-۱۳ ساله دوره راهنمایی تحصیلی از حدود ۱۰۵/۱ درصد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۱۰۴/۸ درصد در سال ۲۰۱۴
- افزایش نرخ گذر از دوره ابتدایی به دوره راهنمایی تحصیلی از ۹۵/۲ درصد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۹۸/۲ درصد تا پایان سال ۲۰۱۴
- نسبت دانش آموز به معلم در دوره راهنمایی تحصیلی از ۲۵/۱ نفر در سال ۲۰۰۲ به ۱۶/۴ نفر در سال ۲۰۱۴



مقررات آموزشی این دوره حداکثر سن جذب برای پایه اول در مناطق شهری ۹ سال و در مناطق روستایی تا سن ۱۱ سالگی است. بنابر این با توجه به این مقررات نرخ جذب ناخالص بالا ولی با توجه به افزایش نرخ جذب خالص انتظار می رود که این

آموزان پایه اول به پایه پنجم (ماندگاری)؛ نرخ تکرار پایه در دوره ابتدایی، معلمین واجد شرایط (دارا بودن مدرک تحصیلی دانشگاهی)، نسبت دانش آموز به معلم برای آموزش ابتدایی ارایه می شود.



نرخ کاهش مؤثر پیدا کند. در جوامع روستایی بخصوص در مناطق پراکنده و دور افتاده معمولاً ورود کودکان به آموزش ابتدایی با تأخیر صورت می گیرد. البته نرخ جذب خالص پایه اول ابتدایی در مقایسه با هدف تعیین شده در برنامه آموزش برای همه فاصله ۱/۵ درصدی دارد و نتوانسته ایم بدان دست پیدا کنیم. (هدف تعیین شده ۹۹/۴ درصد بوده است)

• **درصد ثبت نام خالص دوره ابتدایی:**

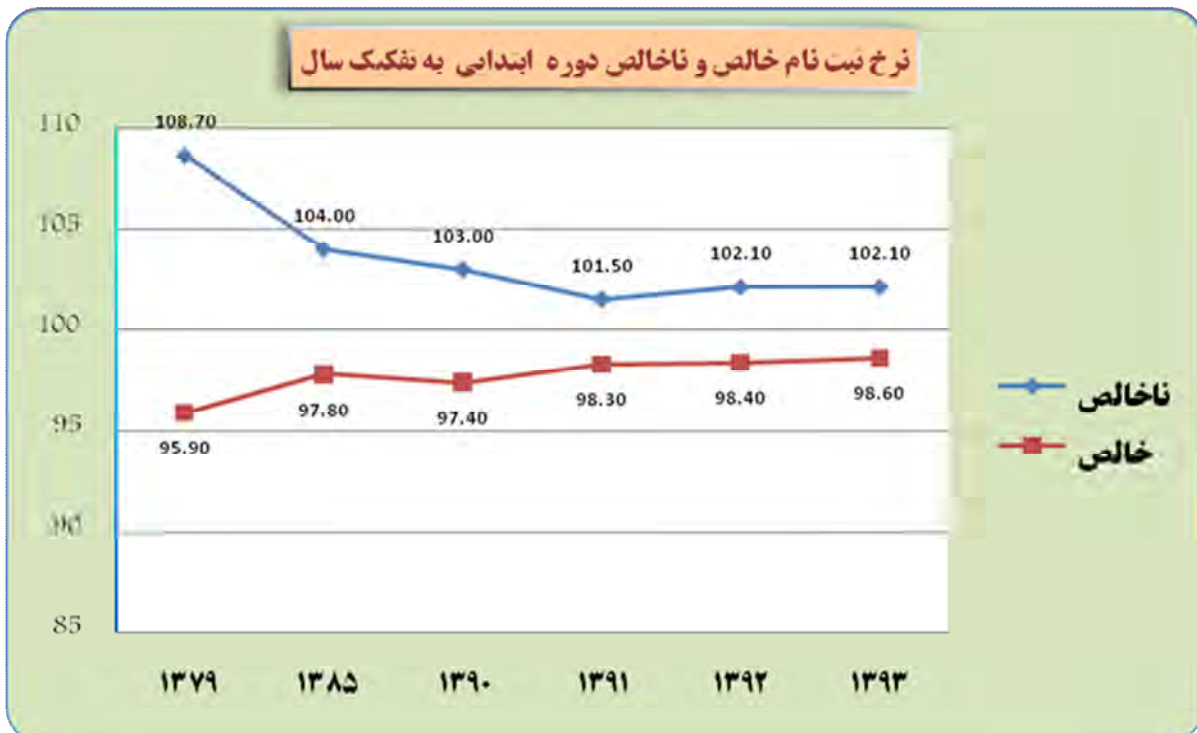
• **ثبت نام خالص و ناخالص پایه اول ابتدایی : (جذب پایه اول ابتدایی)**

نرخ جذب خالص پایه اول دوره ابتدایی در (سال ۱۳۷۹) در حدود ۹۲/۸ درصد بوده که در سال ۱۳۹۳ این نرخ به حدود ۹۷/۹ درصد افزایش یافته است که به طور متوسط سالیانه حدود ۰/۵ درصد بر مقدار آن افزوده شده است. در مقابل نیز نرخ جذب ناخالص نیز از ۱۰۷/۹ درصد به حدود ۱۰۴/۵ درصد کاهش یافته است. نکته قابل ذکر آن است که در



حدود ۱۰۲/۱ درصد تقلیل یافته است و این خود نشان دهنده آن است که در جذب جمعیت گروه سنی اقدامات مؤثرتری انجام شده و دانش آموزان بموقع در پایه اول ثبت نام کرده اند به علاوه این نسبت در مناطق روستایی نیز از حدود ۱۲۶/۱

نرخ ثبت نام خالص دوره ابتدایی در طی سال های (۲۰۱۳-۲۰۰۰) از ۹۵/۹ درصد به ۹۸/۶ درصد افزایش پیدا کرده است. ولی هنوز برابری در دسترسی به آموزش و پرورش ابتدایی در بین دختران و پسران و بخصوص در بین دانش آموزان



درصد به حدود ۱۰۲/۳ درصد کاهش یافته است. نرخ ثبت نام ناخالص در مناطق روستایی در گذشته بسیار بالا بوده است و نشان دهنده آن بوده که بسیاری از جمعیت گروه سنی این دوره دیر ثبت نام کرده اند. از طرفی یکی دیگر از عواملی که در میزان بالای این نشانگر مؤثر بوده است تکرار پایه در دوره ابتدایی بوده است که با تغییر در نحوه ارزشیابی در پایه های تحصیلی، نرخ تکرار پایه را کاهش داده و میزان ماندگاری دانش آموزان را افزایش داده است.

مناطق روستایی بطور کامل برقرار نیست و اختلاف ۲ درصدی بین آنها همچنان وجود دارد. به علاوه در مقایسه با هدف تعیین شده در سند برنامه آموزش بر ای همه نرخ ثبت نام خالص دوره ابتدایی فاصله ای در حدود یک درصدی دارد (هدف تعیین شده ۹۹/۵ درصد بوده است).

• درصد ثبت نام ناخالص دوره ابتدایی:

نرخ ثبت نام ناخالص دوره ابتدایی نیز در طی سال های (۲۰۱۳-۲۰۰۰) از حدود ۱۰۸/۷ درصد به



معلمان واجد شرایط این دوره حدود ۴۱/۸ درصد خواهد بود. در بین معلمان روستایی نیز ۴۲/۱ درصد از معلمان دارای مدرک تحصیلی لیسانس بوده اند.

• نسبت دانش آموز به معلم :

نسبت دانش آموز به معلم در دوره ابتدایی از حدود ۲۵/۲ نفر در سال ۲۰۰۰ به حدود ۲۱/۸ نفر در سال (۲۰۰۶) کاهش یافته و مجدداً با تغییر ساختار این دوره و افزایش یکسال تحصیل به آن (یعنی طول دوره از ۵ سال به ۶ سال افزایش یافته)، نسبت دانش آموز به معلم با افزایش روبرو شده و درحد همان سال ۲۰۰۰ ثابت باقیمانده است (۲۵/۲ نفر).

در یک نتیجه گیری کلی باید گفت پیشرفت های حاصله در مقایسه با نشانگرهای هدف گذاری شده در زمینه نرخ جذب پایه اول ابتدایی و نرخ ثبت نام خالص دوره ابتدایی تا حدودی فاصله وجود دارد و هنوز نرخ ثبت نام خالص این دوره بطور کامل محقق نشده است. دیگر اینکه هنوز این دوره تحصیلی از معلمان واجد شرایط لازم برخوردار نبوده که اثر آن را می توان در نتایج سنجش کیفیت یادگیری کاملاً مشاهده کرد. به علاوه با وجود افزایش نرخ دسترسی دانش آموزان پایه اول به پایه پنجم اما هنوز حدود ۶ درصد دانش آموزان به موقع به آن پایه نمی رسند و این خود نشان دهنده آن است که بخشی از این دانش آموزان ترک تحصیل می کنند و به تعداد بیسوادان نیز اضافه می شود. شواهد موجود نیز نشان می دهد

• نرخ دسترسی پایه اول به پایه پنجم ابتدایی:

نرخ دسترسی دانش آموزان ثبت نام شده در پایه اول به پایه پنجم در طی پنج سال تحصیلی مداوم که نشان دهنده میزان ماندگاری دانش آموزان است، در بین دختران بیش از پسران بوده و در طی سال های ۲۰۱۳-۲۰۰۰) این میزان در کل از ۸۸/۸ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۹۴/۶ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. همچنین این نرخ در بین دختران در سال های مذکور از ۸۸/۴ درصد به ۹۴/۷ درصد و در بین پسران از ۸۹/۲ درصد به ۹۴/۵ درصد تغییر یافته است. این نرخ در مقایسه با هدف تعیین شده تقریباً محقق شده است.

• درصد معلمان واجد شرایط دارای مدرک

دانشگاهی در دوره ابتدایی :

معلمان واجد شرایط در ابتدای دوره اجرای برنامه آموزش برای همه در دوره ابتدایی دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم تعیین گردیده بود اما از سال ۱۳۹۰ به بعد این حداقل مدرک تحصیلی دانشگاهی به سطح لیسانس تغییر پیدا کرد. باتوجه به این تعریف معلمان واجد شرایط در دوره ابتدایی در سال ۲۰۰۰ در بین کل معلمان این دوره ۴۳/۷ درصد، این نسبت در مورد معلمان زن ۳۷ درصد و معلمان مرد ۵۱/۷ درصد و در مورد معلمان مناطق روستایی ۴۷/۸ درصد بوده است. در سال ۲۰۱۳ معلمان واجد شرایط بایستی حداقل دارای مدرک لیسانس باشند که بدین ترتیب درصد



خصوص در پایه های اولیه کاهش یافته و خود منجر به تکرار پایه و سپس ترک تحصیل می شود. هنوز برای آموزش و پرورش کودکان کار تدابیر جدی و لازم اتخاذ نشده است. سامانه های آماری منسجم و مرتبط برای شناسایی و رصد وضع کودکان لازم التعلیم بازمانده از تحصیل به طور کامل ایجاد نشده است. در مناطق روستایی و عشایری نیز به کارگیری معلمان واجد شرایط و دارای صلاحیت ها و شایستگی های لازم حرفه ای و شغلی به خوبی امکان پذیر نبوده و موجبات افت تحصیلی در بین دانش آموزان این مناطق را فراهم کرده است.

• **آموزش راهنمایی تحصیلی (متوسطه اول)**

پیشرفت های حاصله در طی سال های (۲۰۱۳-۲۰۰۰) در آموزش راهنمایی تحصیلی با نشانگرهای نرخ جذب خالص و ناخالص دوره راهنمایی تحصیلی و گذر از دوره ابتدایی به دوره راهنمایی تحصیلی و درصد دختران دوره راهنمایی تحصیلی از کل دانش آموزان توضیح داده شده است.

• **درصد ثبت نام خالص در دوره راهنمایی تحصیلی:**

که بخشی از این دانش آموزان از نظام آموزشی خارج شده و ترک تحصیل کرده اند.

مهمترین اقدامات انجام شده در این دوره عبارتند از:

- نهادینه کردن روش های فعال یادگیری از سوی معلمان
- برگزاری کلاس های جبرانی برای دانش آموزانی که در معرض تکرار پایه و یا ترک تحصیل هستند.
- اصلاح و بازنگری روش های ارزشیابی تحصیلی
- توسعه و تنوع بخشی به فعالیت مکمل و فوق برنامه
- توسعه آموزش عشایری و روستایی
- اجرای طرح جذب کودکان لازم التعلیم بازمانده از تحصیل در مناطق محروم و کودکان آسیب پذیر، کودکان کار و کودکان بی سرپرست و بدسرپرست
- استفاده از ظرفیت جامعه محلی و شوراهای شهر و روستا در جهت شناسایی و جذب کودکان بازمانده از تحصیل اقدامات ناتمام تأثیر گذار در این دوره که خود منجر شده تا تمامی دانش آموزان گروه سنی این دوره تحصیلی تحت پوشش نباشند. به دلیل عدم دسترسی کامل کودکان در دوره پیش دبستانی به خصوص در مناطق روستایی و پراکنده و حاشیه شهرها دانست، میزان یادگیری ها به



• درصد ثبت نام ناخالص دوره راهنمایی تحصیلی:

نرخ ثبت نام ناخالص دوره راهنمایی تحصیلی در سال ۲۰۰۰ معادل ۱۰۳/۶ درصد بوده است. این نرخ در مناطق روستایی حدود ۸۲/۴ درصد بوده است. تفاوت این دو بیانگر آن است که در مناطق شهری میزان ثبت نام بسیار بالاتر از مناطق روستایی بوده است و بسیاری از دانش آموزان دوره ابتدایی در مناطق روستایی در دوره راهنمایی تحصیلی ثبت نام نمی کنند و ترک تحصیل کرده اند. این نرخ در بین دختران نیز بالاتر از پسران است. روند تغییرات این نرخ نیز نشان می دهد که نرخ ثبت نام ناخالص این دوره در سال ۲۰۱۳ به حدود ۹۲/۲ درصد کاهش یافته است. این نرخ در مناطق روستایی نیز به حدود ۶۳/۷ درصد می رسد. این شواهد نشان می دهد که میزان ترک تحصیل در دوره راهنمایی تحصیلی افزایش یافته است. برآوردها نشان می دهد که

ثبت نام در دوره راهنمایی تحصیلی نشان می دهد که این نرخ طی روندی صعودی از ۷۸/۴ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۹۰/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) می رسد که نشان دهنده بهبود ۱۲/۲ درصدی است اما با اتخاذ سیاست های انقباضی و وجود محدودیت های منابع انسانی این نشانگر در سال ۲۰۱۳ به حدود ۸۳/۶ درصد کاهش یافته است. در حالی که در سند برنامه آموزش برای همه مقرر گردیده بود، نرخ ثبت نام خالص این دوره به حدود ۸۵ درصد افزایش یابد. اما همچنان بین نرخ هدف گذاری شده با وضعیت موجود فاصله وجود دارد. ضمن آنکه هدف تعیین شده ۸۵ درصدی خود هدف گذاری مناسبی برای این دوره بعد از ۱۵ سال نبوده است. شواهد موجود نشان می دهد که با وجود پراکندگی های زیاد، محدودیت هایی برای توسعه مدارس شبانه روزی و روستا مرکزی وجود داشته و در بسیاری از مناطق عدم اختصاص معلم منجر به کاهش نرخ ثبت نام شده است.



(۹۴/۶ درصد) و در سال ۲۰۱۳ نیز ۹۵/۷ درصد افزایش می یابد. اما در مناطق روستایی با تفاوتی محسوس روبرو بوده است و در حالی که در سال ۲۰۰۰ این نرخ در حدود ۸۴/۴ درصد بوده است به حدود ۷۳/۹ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش می یابد. تأثیر عدم دسترسی کامل دانش آموزان ابتدایی روستایی به آموزش راهنمایی تحصیلی و تعطیلی بسیاری از مدارس شبانه روزی و روستا مرکزی در بروز این شرایط کاملاً مشهود است. اتخاذ سیاست کاهش مدارس شبانه روزی و تعطیلی مدارس روستا مرکزی و تعدیل نیروی انسانی همواره به ضرر جوامع روستایی و عشایری بوده است.

در هدف گذاری انجام شده نیز مقرر شده بود تا نرخ گذر از دوره ابتدایی به دوره راهنمایی تحصیلی به حدود ۹۸/۲ درصد برسد. اما همچنان بین هدف تحقق یافته (۹۵/۷ درصد) با هدف پیش بینی شده یعنی (۹۸/۲ درصد) فاصله حدود ۳ درصدی وجود

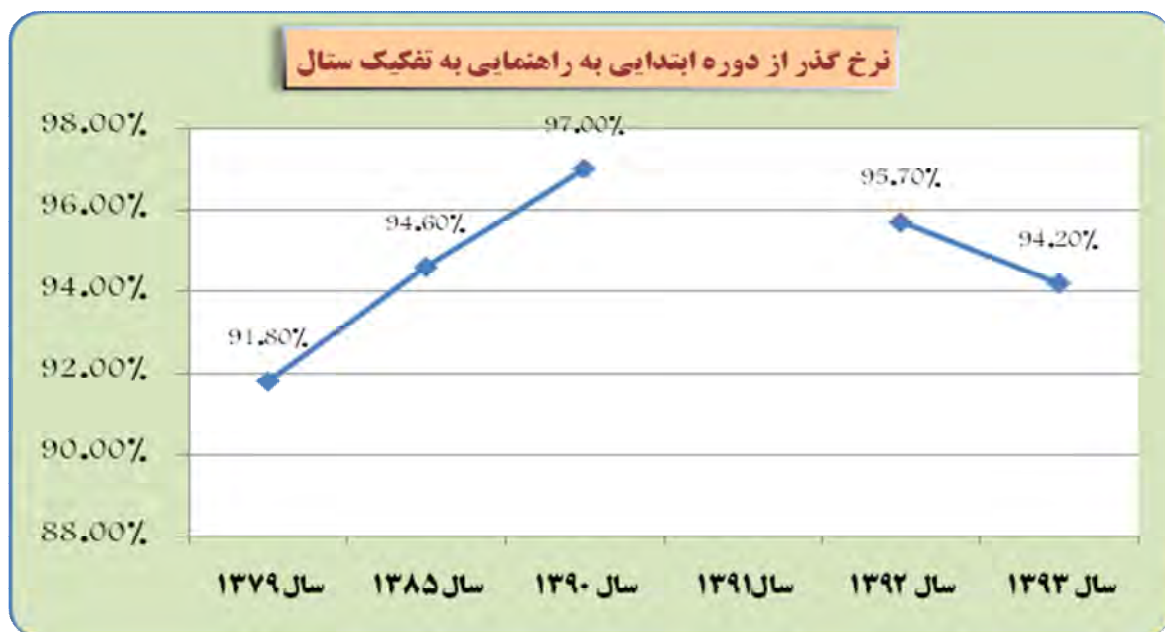
دانش آموزان بیرون از مدرسه در این دوره به حدود نیم میلیون نفر می رسد.

• **درصد دختران از کل دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی:**

درصد دختران این دوره تحصیلی از حدود ۴۵/۳ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۴۷/۷ درصد در سال ۲۰۱۳ تغییر یافته است، بهبود این نرخ عمدتاً در مناطق شهری اتفاق افتاده است. نرخ ترک تحصیل دختران در مناطق روستایی بیش از دختران شهری است. شاخص برابری جنسیتی در نرخ ثبت نام ناخالص دوره راهنمایی تحصیلی، حدود ۹۱ تقریباً ثابت است.

• **نرخ گذر از دوره ابتدایی به دوره راهنمایی تحصیلی:**

نرخ گذر از دوره ابتدایی به دوره راهنمایی تحصیلی در سال ۲۰۰۰ معادل ۹۱/۸ درصد بوده است. روند افزایشی آن تا سال ۲۰۰۶ ادامه داشته





دارد

۲/۳) یادگیری و مهارت های زندگی برای جوانان و

بزرگسالان :

۲/۲/۴- چالش های پیش رو

۲/۳/۱- تعریف هدف و دامنه آن :

سومین هدف آموزش برای همه عبارت است از « تضمین اینکه نیازهای یادگیری همه جوانان و بزرگسالان از طریق دسترسی برابر به یادگیری مناسب و مهارت های زندگی میسر گردد.»

در جمهوری اسلامی ایران فرآیند آموزش و برخورداری جوانان و بزرگسالان از مهارت های لازم زندگی در چارچوب نظام رسمی (در آموزش های متوسطه نظری - فنی حرفه ای و کاردانش) و غیر رسمی (آموزش های مهارتی و حرفه ای) صورت می گیرد. آموزش های رسمی توسط وزارت آموزش و پرورش در مدارس متوسطه نظری و هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش و آموزش های غیر رسمی در مراکز آموزش فنی و حرفه ای وابسته به وزارت جهاد کشاورزی، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور (وابسته به وزارت کار و تعاون و امور اجتماعی) و همچنین آموزشگاه های آزاد (فنی و حرفه ای) دارای مجوز از سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور در چارچوب مهارت های شغلی و حرفه ای انجام می شود و هدف آن تربیت تکنسین ها، کارگران و استادکاران ماهر است که پس از فراغت از تحصیل و آموزش برای ورود به بازار کار آماده می شوند. آموزش مهارت های زندگی نیز بصورت مجموعه ای هدفمند از طریق آموزش های رسمی و غیر رسمی با هدف ارتقای مهارت های فردی، کنترل رفتارهای پرخطر، برقراری ارتباط مؤثر بادیگران و ایفای نقش های اجتماعی صورت می گیرد.

با وجود اقدامات و فعالیت های انجام شده موانع و چالش های پیش رو برای تحقق اهداف آموزش های پایه عبارتند از :

- عدم توجه به گسترش و توسعه آموزش پیش دبستانی به عنوان یکی از عوامل زمینه ساز رفع کاستی های اولیه کودکان در آموزش پایه
- مسایل خاص دانش آموزان حاشیه شهرها و مناطق روستایی بخصوص کودکان کار، کودکان بدسرپرست و بی سرپرست
- نبود سامانه جامع رصد و پایش وضع پوشش تحصیلی کلیه افراد لازم التعلیم در دوره ابتدایی و بخصوص ترک تحصیل از دوره ابتدایی به دوره راهنمایی تحصیلی
- فقدان یک ساز و کار جامع و مناسب برای کمک به کودکان کار و خانواده های محروم و فقیر به منظور کاهش هزینه فرصت آموزش برای آنان
- عدم اجرای دقیق زمان آموزش در دوره های تحصیلی ابتدایی و راهنمایی تحصیلی
- وجود تبعیض های موجود بین ساعات کار و دستمزد معلمان دوره ابتدایی با معلمان سایر دوره های تحصیلی در شرایط مساوی از نظر سطح تحصیلات و سوابق شغلی
- وجود کودکان خارج از مدرسه در دوره های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی علیرغم تمهیدات لازم برای جذب آنان



۲/۳/۲- پیشرفت های حاصله بر مبنای نشانگرهای

تعیین شده :

برای تبیین پیشرفت های حاصله درخصوص هدف سوم ، نشانگرهای نرخ ثبت نام ناخالص دوره متوسطه، گذر از دوره راهنمایی تحصیلی به متوسطه، سهم آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش از کل آموزش متوسطه رسمی ، و سهم بخش دولتی و غیر دولتی در آموزش های غیر رسمی فنی و حرفه ای بیان می شود.



• درصد ثبت نام ناخالص دوره متوسطه :

درصد ثبت نام ناخالص متوسطه با روندی نزولی از ۶۸/۷ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۶۰/۹ درصد در سال ۲۰۰۶ (میان دهه) رسیده است با روند تغییر این وضعیت مجدداً در سال ۲۰۱۳ به حدود ۷۱/۴ درصد افزایش می یابد. این نرخ در بین دختران تا حدودی بالاتر بوده است .

همچنین در مناطق روستایی نرخ ثبت نام ناخالص در دوره متوسطه از ۲۳/۴ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۲۶/۴ درصد در سال ۲۰۰۶ (میان دهه) و ۲۷ درصد در سال ۲۰۱۳ رسیده است. شواهد نشان دهنده آن است که بالاتر از ۷۰ درصد از دانش آموزان روستایی نتوانسته اند در این دوره ثبت نام کنند و بیرون از مدرسه هستند . همچنانکه بالاتر از ۳۰ درصد از جمعیت گروه سنی ۱۷-۱۴ ساله در بیرون از مدرسه هستند که سهم جمعیت روستایی در این گروه سنی بسیار بیشتر از جمعیت شهری است. دلایل عمده آن عدم تشکیل مدارس متوسطه در مناطق روستایی و کمبود معلمان متخصص در

سومین دوره آموزش رسمی در نظام آموزشی ایران جمعیت ۱۶- ۱۴ ساله را شامل می شود و در سه شاخه متوسطه نظری - متوسطه فنی و حرفه ای و کاردانش که اجرایی می شود هر شاخه تحصیلی مشتمل بر چندین رشته تحصیلی است . علاوه بر آن دانش آموزان فارغ التحصیل دوره متوسطه که قصد ورود به دانشگاه ها در سطح کارشناسی و بالاتر را داشته باشند بایستی دوره یکساله پیش دانشگاهی را نیز بگذرانند.

آموزش های غیر رسمی فنی و حرفه ای برای گروههای شغلی و حرفه ای مختلف به منظور تربیت کارگران و استادکاران ماهر و نیمه ماهر و تکنسین های فنی در سنین معمولاً بین ۱۸ تا ۴۰ ساله برگزار می شود . کارآموزان آموزش های غیر رسمی فنی و حرفه ای در سه سطح درجه بندی می شوند. کسانی که بخشی از شایستگی مهارتی و شغلی را کسب می کنند گواهینامه مهارت درجه ۲ اخذ می کنند و کسانی که شایستگی های کامل یک مهارت شغلی را بدست آورند گواهینامه مهارت درجه یک می گیرند و بالاخره در سطح سوم این درجه بندی به افرادی که ضمن کسب شایستگی های کامل یک مهارت شغلی بتوانند چند مهارت جنبی را بدست آورند گواهینامه مهارت تخصصی دریافت می کنند.



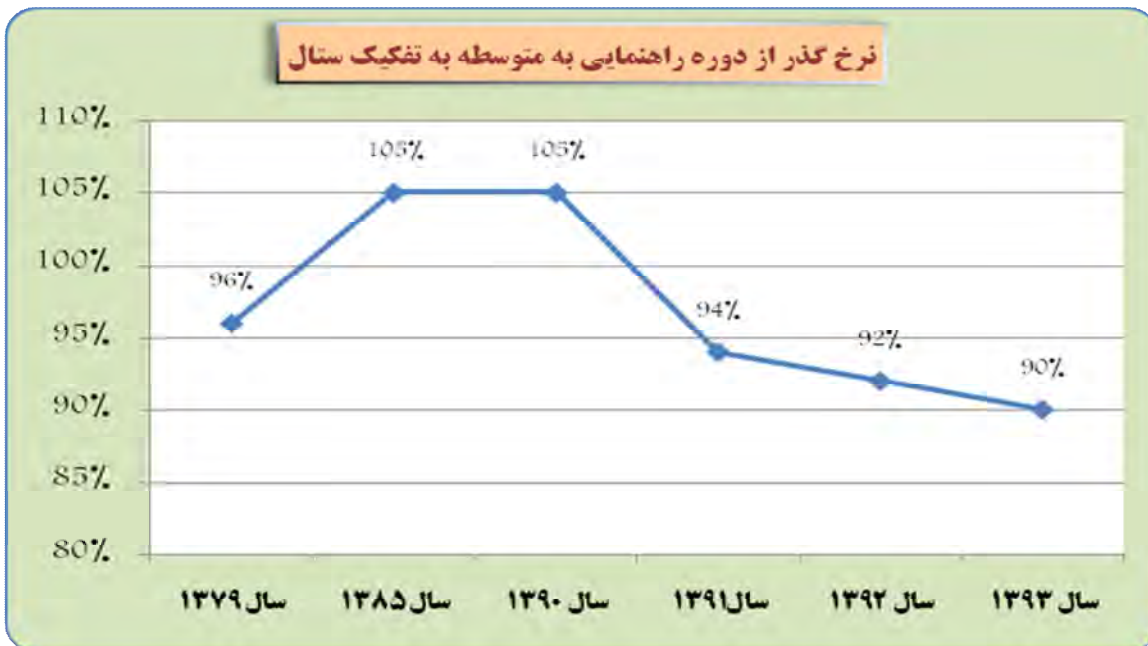
• **سهم دانش آموزان متوسطه فنی و حرفه ای و کاردانش از کل دانش آموزان متوسطه :**

همانطور که اشاره شد دوره متوسطه شامل سه شاخه متوسطه نظری، متوسطه فنی و حرفه ای و کاردانش است. سال اول این دوره بصورت عمومی و مشترک برای کلیه دانش آموزان اجرا می شود و آنگاه طی دو سال باقیمانده دانش آموزان به یکی از شاخه های مذکور هدایت می شوند. سهم دانش آموزان متوسطه فنی و حرفه ای و کاردانش از کل دانش آموزان پایه دوم و سوم متوسطه در سال ۲۰۰۰ در حدود ۲۹ درصد بوده است. اما در سال ۲۰۱۳ سهم دانش آموزان متوسطه فنی و حرفه ای و کاردانش از کل دانش آموزان متوسطه به حدود ۴۱/۵ درصد رسیده است. که به ترتیب در مورد دختران و پسران معادل ۳۱/۹ درصد و ۴۹/۹ درصد است. گرایش دختران به آموزش های متوسطه

این دوره، افت تحصیلی به ویژه ترک تحصیل، ازدواج زودهنگام دختران، کاهش حمایت های مالی از مدارس شبانه روزی و روستا مرکزی و احياناً ورود به بازار کار و اشتغال بخصوص برای پسران از آن جمله است.

• **نرخ گذر ظاهری از دوره راهنمایی تحصیلی به دوره متوسطه:**

نرخ گذر ظاهری از دوره راهنمایی تحصیلی به دوره متوسطه نشان می دهد که از حدود ۹۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۹۲ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است. این نرخ در بین پسران در مقایسه با دختران کمتر است به عبارت دیگر درصد دخترانی که در دوره متوسطه ثبت نام کرده اند بیشتر از پسران بوده است و شاخص برابری جنسیتی نیز بهبود یافته است. همچنین در مناطق روستایی این نرخ از حدود ۵۳ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۵۶ درصد در سال ۲۰۱۵ می رسد.





کوتاه مدت غیر رسمی ارایه می کنند. براساس اطلاعات ارایه شده توسط سازمان آموزش فنی و حرفه ای نزدیک به ۷ میلیون نفر در طی دوره (۲۰۱۱-۲۰۰۰) در مراکز آموزشی این سازمان آموزش کوتاه مدت دیده اند. و گواهینامه مهارت درجه ۲ و ۱ دریافت کرده اند. سهم گواهینامه مهارتی درجه ۲ نیز از حدود ۹۰ درصد به حدود ۳۳ درصد کاهش یافته و سهم دریافت کنندگان



گواهینامه درجه ۱ نیز از حدود ۱۰ درصد به حدود ۶۶ درصد تغییر یافته است. بدین ترتیب ارایه آموزش ها در مراکز سازمان آموزش فنی و حرفه ای مهارت هایی بادرجه بالاتری را مورد توجه قرار داده اند. همچنین سهم زنان در این قبیل آموزش ها از حدود ۵۲ درصد به حدود ۶۲ درصد تغییر یافته است که عمدتاً در آموزشگاه های فنی و حرفه ای غیر دولتی به کسب مهارت اقدام کرده اند. سهم آموزش های غیر رسمی فنی و حرفه ای در مراکز غیر دولتی نیز از حدود ۴۲ درصد به ۷۲ درصد رسیده است.

۲/۳/۳- چالش های باقیمانده و پیش رو:

به طور کلی در راستای تحقق هدف سوم از برنامه آموزش برای همه چالش هایی همچنان پیش رو ست که عبارتند از:

فنی و حرفه ای و کاردانش پایین تر از پسران است.

در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت که دانش آموزان مناطق روستایی و دختران در دوره متوسطه از محرومیت های بیشتری برخوردارند. نرخ گذر از دوره راهنمایی تحصیلی به دوره متوسطه و همچنین نشانگرهای درصد دختران از کل دانش آموزان متوسطه و نرخ ثبت نام ناخالص این دوره همگی بیانگر آن است که همواره دختران و جمعیت مناطق روستایی در این دوره تحصیلی وضعیت نامناسب تری داشته اند.

• سهم بخش دولتی و غیر دولتی در آموزش های فنی و حرفه ای غیر رسمی :

آموزش های غیر رسمی فنی و حرفه ای عمدتاً توسط سازمان آموزش فنی و حرفه ای وابسته به وزارت کار و تعاون و رفاه اجتماعی در قالب آموزش های کوتاه مدت در سطوح مهارتی درجه ۲ و ۱ و مهارت های تخصصی ارایه می شود. زمینه های مختلف این آموزشها در حوزه صنعت، کشاورزی و خدمات برای جوانان و بزرگسالان معمولاً در جمعیت گروه سنی بین ۱۸ تا ۴۰ سال را شامل می شود. و توانمندی های شغلی و سطح مهارت های کارگران و جویندگان کار را افزایش می دهد. علاوه بر این سازمان، در بخش دولتی وزارت جهاد کشاورزی نیز آموزش های مهارتی کشاورزی به بهره برداران کشاورزی ارایه می کند. ضمناً آموزشگاه های فنی و حرفه ای غیردولتی (آموزشگاه آزاد) به افرادی که مایل به کسب مهارت های مورد نیاز خود هستند، آموزش های



در راستای تحقق هدف چهارم فعالیت های سواد آموزی در ایران زیر نظر سازمان نهضت سواد آموزی به عنوان یک نهاد وابسته به وزارت آموزش و پرورش انجام می شود. البته فعالیت های سواد آموزی در ایران دارای تاریخچه دیرینه ای است. اولین فعالیت های سواد آموزی با عنوان سازمان اکابر در سال ۱۳۱۵ شمسی (۱۹۳۵ میلادی) شکل می گیرد و سپس در قالب سازمان آموزش بزرگسالان و سپس کمیته ملی پیکار با بیسوادی تا سال ۱۳۵۵ فعالیت های خود را انجام می دهد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با صدور فرمان رهبر جمهوری اسلامی ایران، سازمان نهضت سواد آموزی شکل می گیرد. این سازمان بیسوادان ۱۰ ساله و بالاتر را زیر پوشش فعالیت های سواد آموزی خود قرار می دهد و آموزش های پس از سواد و تکمیل آن تا دوره آموزش ابتدایی را برای کم سوادان فراهم می سازد.

۲/۴/۲- هدف گذاری انجام شده در سند برنامه ملی آموزش برای همه:

براساس هدف گذاری انجام شده در سند برنامه ملی آموزش برای همه (سال ۲۰۰۳) خطوط کلی آن بشرح زیر بوده است:

- کاهش درصد بیسوادان ۱۰ ساله و بالاتر از ۱۵/۸ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۶/۱ درصد در سال ۲۰۱۴
- کاهش درصد بیسوادان زن ۱۰ ساله و بالاتر از ۱۸/۹ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۴/۷ درصد در سال ۲۰۱۴
- کاهش درصد بیسوادان روستایی ۱۰ ساله و بالاتر از ۲۵/۹ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۱۲/۷ درصد در سال ۲۰۱۴

براساس هدف گذاری فوق تعداد کمیت بیسوادان بشرح زیر خواهد بود:

- عدم حمایت های لازم و اتخاذ برخی سیاست های انقباضی در فعالیت های آموزش دوره متوسطه
- نابرابری بین دختران و جمعیت مناطق روستایی و عشایری در مقایسه با پسران و مناطق شهری در دستیابی به آموزش متوسطه
- عدم تناسب بین نیازهای بازار کار و توسعه رشته های متوسطه فنی و حرفه ای و کاردانش
- پایین بودن کیفیت در آموزش متوسطه و در نتیجه افت تحصیلی و ترک تحصیل دانش آموزان
- نبود نظام پی گیری و پایش ثبت نام دانش آموزان در دوره متوسطه در مناطق شهری و روستایی
- وجود باورهای فرهنگی در بین خانواده ها و جلوگیری از تحصیل دانش آموزان به ویژه برای دختران و ازدواج زود هنگام آنان
- پایین بودن انگیزه پسران برای ادامه تحصیل و ورود زود هنگام آنان به بازار کار
- ناتوانی مالی برخی از خانواده ها برای تحصیل فرزندان خود بخصوص در حاشیه شهرها، مناطق روستایی و عشایری
- ناکارآمدی نظام مشاوره تحصیلی و هدایت شغلی دانش آموزان

۲/۴ (سواد آموزی بزرگسالان)

۲/۴/۱- تعریف هدف و دامنه آن :

هدف چهارم از اهداف آموزش برای همه عبارتست از «رسیدن به ۵۰ درصد پیشرفت در باسوادی بزرگسالان تا سال ۲۰۱۵ به ویژه برای زنان و دسترسی برابر و یکسان به آموزش پایه و مداوم برای همه بزرگسالان»



توصیه های سیاستی (راهبردها) که در ابتدای شروع برنامه آموزش برای همه در مورد هدف چهارم آمده بشرح زیر بوده است:

- محلی و منطقه ای کردن فعالیت های سواد آموزی
- توسعه تشکل های غیر دولتی در زمینه فعالیت های سواد آموزی
- اتخاذ شیوه های منعطف در فعالیت های سواد آموزی از قبیل آموزش های فرد به فرد - آموزش های رسانه ای
- استفاده از نهادهای فرهنگی - اجتماعی برای توسعه فعالیت های سواد آموزی
- ایجاد برابری جنسیتی و برابری منطقه ای در

گروه سنی از ۷۶/۵ درصد به حدود ۸۵/۲ درصد افزایش یافته است. تعداد بیسوادان این گروه سنی در حال حاضر حدود ۹ میلیون نفر است. این درصد در بین مردان از حدود ۸۲/۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۸۱/۸ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. در مناطق روستایی نیز درصد باسوادی بزرگسالان ۱۵ سال به بالا نیز از حدود ۶۳/۵ درصد سال ۲۰۰۰ به حدود ۷۵/۷ درصد در سال ۲۰۱۳ می رسد.

بدین ترتیب بهبود وضع درصد باسوادان این جمعیت نشان دهنده تلاش ها و فعالیت های گسترده سواد آموزی در کشور بوده است. اما همچنان وجود حدود ۹ میلیون نفر بیسواد در این

- تعداد بیسوادان ۱۰ ساله و بالاتر از حدود ۸/۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۲ به ۴/۲ میلیون نفر



کاهش خواهد یافت.

- تعداد بیسوادان ۱۰ ساله و بالاتر زن از حدود ۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۲ به حدود ۱/۶ میلیون نفر می رسد. کاهش تعداد بیسوادان زن ۱۰ ساله و بالاتر نیز از حدود ۴/۷ میلیون نفر در سال ۲۰۰۲ به حدود ۲/۴ میلیون نفر در سال ۲۰۱۴
- برخورداری از سواد

۲/۴/۳- پیشرفت های حاصله بر مبنای نشانگرهای تعیین شده:

در تبیین پیشرفت های حاصله در این هدف نشانگرهای زیر ارایه می گردد:

درصد باسوادی بزرگسالان در جمعیت ۱۵ سال به بالا، در صد باسوادی جوانان ۲۴ - ۱۵ ساله، تعداد بیسوادان جمعیت گروه سنی ۱۵ ساله به بالا و در بین جوانان، درصد باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بالاتر و تعداد بیسوادان این گروه سنی.

- درصد باسوادی بزرگسالان ۱۵ سال به بالا:
- پیشرفت های حاصله در تحقق هدف های آموزش برای همه در زمینه افزایش سواد بزرگسالان در جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر در ایران نشان می دهد که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ میزان باسوادی این

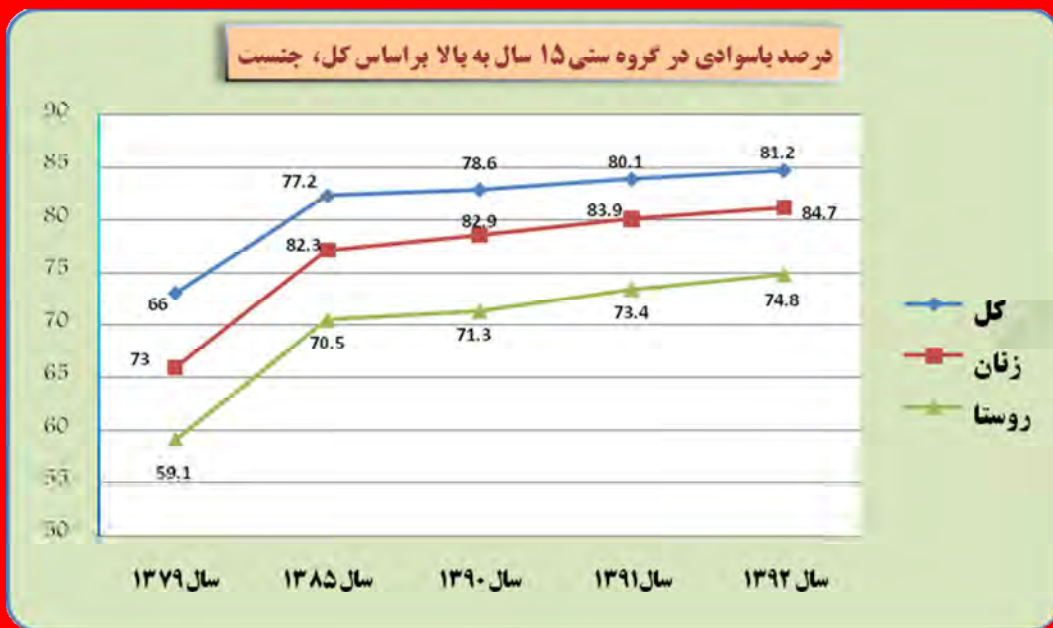


بسیار ضعیف است. تلاش های گسترده در فعالیت های سواد آموزی کشور در طی مدت زمان (۲۰۱۳-۲۰۰۰) صورت گرفته است که جمعیتی بالغ بر ۵ میلیون نفر در دوره سواد

آموزی را شرکت کرده اند. که حداقل حدود ۳/۷ میلیون نفر از آنان توانسته اند دوره سواد آموزی را طی کنند. اما علیرغم آن کمیت تعداد بیسوادان در طی این دوره (۲۰۱۳-۲۰۰۰) که در سال شروع برنامه حدود ۹/۸ میلیون نفر بوده در پایان دوره برای یعنی سال ۲۰۱۳ در حد ۹ میلیون نفر باقی مانده است و مقایسه های کلی نشان می دهد که عللی همچون نارسایی برنامه های سواد آموزی و بازگشت به بیسوادی و پایین بودن کیفیت اجرای فعالیت های سواد آموزی در آن تأثیر گذار بوده است.

گروه سنی وجود دارد. البته پیش از ۶ میلیون نفر از آنان را جمعیت بالای ۵۰ سال تشکیل می دهند. که انگیزه های لازم برای باسواد شدن در آنان

درصد باسوادی در گروه سنی ۱۵ سال به بالا براساس کل، جنسیت



درصد منبع: سرشماری سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نفوس و مسکن سازمان آمار و ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۴ برآورد شده است

در ۲۰۱۳ به حدود ۹۶/۹ درصد می رسد. این درصد مناطق روستایی نیز از حدود ۸۹/۵ درصد به ۹۴/۸ درصد تغییر یافته است. تعداد بیسوادان این گروه سنی در ابتدای برنامه (سال ۲۰۰۰) حدود ۸۰۰ هزار نفر بوده است و در طی این دوره از تعداد آنان ۴۰۰ هزار نفر کاسته می شود. که از آن میان حدود ۳۰۰ هزار نفر مربوط به جمعیت روستایی

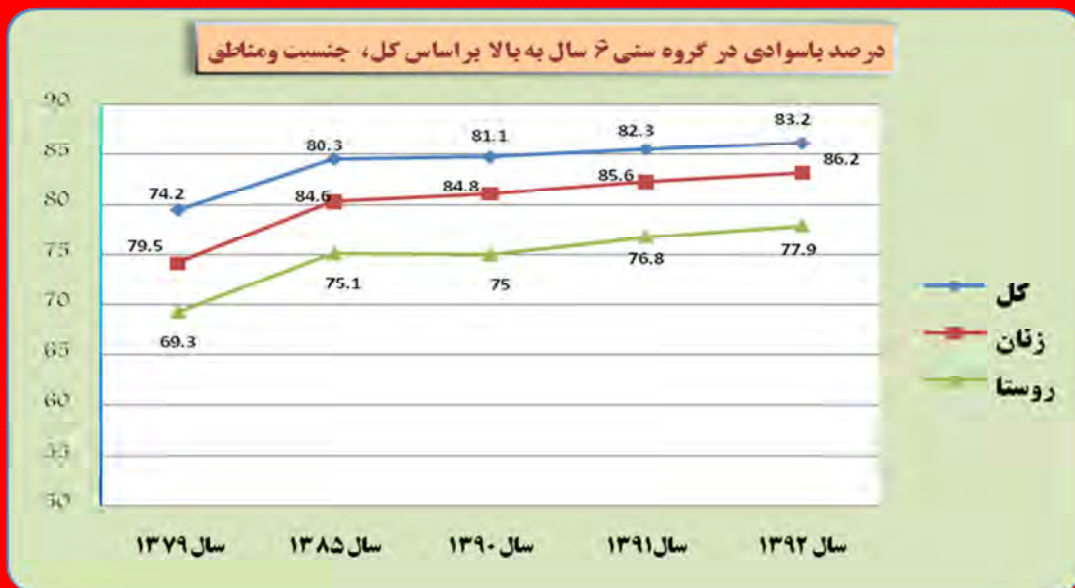


بوده است. بدین ترتیب در طی ۱۲ سال گذشته بطور سالیانه حدود ۲۵ هزار نفر از جمعیت بیسوادی این گروه کاسته شده است.

• درصد باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر

درصد باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر که معمولاً در سرشماری های نفوس و مسکن ایران منعکس می شود در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶ میلادی) در حدود ۷۹/۵ درصد بوده است. این درصد با سوادی در سال ۲۰۱۳ به حدود ۸۷ درصد تغییر یافته است. در مناطق روستایی نیز این نرخ در سال ۱۳۷۵ در حدود ۶۹/۳ درصد بوده است. یعنی تقریباً ۱۰ درصد کمتر از درصد باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر در کشور بوده است که در مقابل در مناطق شهری ۸۵/۷ درصد از این جمعیت باسواد بوده اند. این وضعیت در سال ۲۰۱۳ در مناطق روستایی (۷۸/۸ درصد) و در مناطق شهری (۹۰/۳ درصد) است. تعداد بی سوادان نیز در سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۱۰/۷ میلیون نفر بوده است. که در طی این مدت (۲۰۱۳ - ۱۹۹۶) از تعداد آنان حدود ۱/۱ میلیون نفر کاسته می شود و به حدود ۹/۶ میلیون نفر می رسد.

نمودار: درصد باسوادی در گروه سنی ۶ سال به بالا براساس کل، جنسیت و مناطق



بطور کلی می توان چنین نتیجه گیری کرد که اهداف پیش بینی شده محقق نشده است و کمیت تعداد بیسوادان که تقریباً کاهش محسوسی نیافته است نشان دهنده وضعیت نامطلوبی در نشانگرهای سواد آموزی می باشد. این وضعیت لزوم توجه و تأکید بر برنامه های سواد آموزی را در دهه آینده مورد تأکید قرار می دهد.



۲/۴/۴- چالش های پیش رو :

چالش های موجود در ارتباط با هدف چهارم بشرح

زیر است:

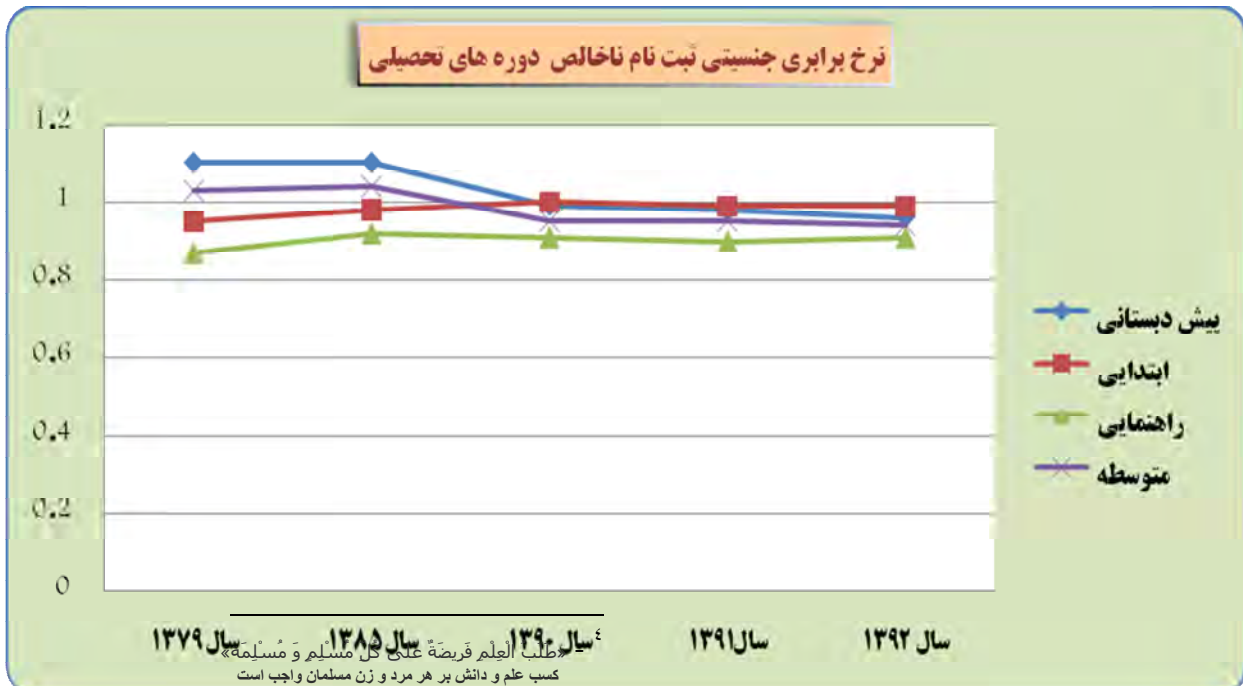
- فقدان مشارکت نهادها، دستگاه های اجرایی و تشکل های مردمی در فعالیت های سواد آموزی.
- عدم تحلیل منظم وضعیت سواد آموزی در کشور و عدم اتخاذ تدابیر لازم برای شناسایی بیسوادان.
- پایین بودن کیفیت برنامه های سواد آموزی و بازگشت به بیسوادی بزرگسالان.
- ترک تحصیل زود هنگام در بین دانش آموزان دوره ابتدایی.
- عدم پایداری سواد در نوسوادان و بازگشت به بیسوادی آنان.

۲/۵/۱- تعریف هدف و دامنه آن :

هدف پنجم از اهداف آموزش برای همه عبارتست از « حذف نابرابری های جنسیتی در آموزش ابتدایی و راهنمایی تحصیلی تا سال ۲۰۱۵، دستیابی به تساوی جنسیتی در آموزش تا سال ۲۰۱۵ با تأکید بر تضمین دسترسی کامل و برابر دختران به آموزش تکمیلی»

بر مبنای تأکید دین مبین اسلام بر طلب علم و دانش^۴ اصل سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأمین آموزش و پرورش رایگان را تا پایان دوره متوسطه برای همه ملت مورد تأکید قرار داده است و هیچ گونه نا برابری جنسیتی را نپذیرفته است. علاوه بر آن همواره در قوانین متعدد از جمله در قوانین برنامه سوم و چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که طی سال های (۲۰۱۵-۲۰۰۰) به اجرا در آمده رفع تبعیض های جنسیتی و توجه به نیازهای دختران را در موارد قانونی خود مورد تأکید داشته

۲/۵) برابری جنسیتی





دختران در آموزش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه جزو اولویت ها بوده است .

۲/۵/۲- هدف گذاری انجام شده

یافته است . در این گروه، وجود برخی نگرش ها و باورهای فرهنگی نسبت به آموزش دختران موجب افزایش نابرابری بین دختران و پسران، بخصوص در حاشیه شهر ها و روستاها، و در نتیجه بی سوادی تعداد بیشتری از دختران گردیده است.

• شاخص برابری جنسیتی در ثبت نام ناخالص آموزش پیش دبستانی :

شاخص برابری جنسیتی در نرخ ثبت نام ناخالص آموزش پیش دبستانی در سال ۲۰۰۰ معادل ۱/۱ بوده است که در سال ۲۰۱۳ به رقم ۰/۹ کاهش یافته است . که نشان از نابرابری به نفع دختران است. رشد و توسعه آموزش پیش دبستان به ویژه در مناطق روستایی و جذب بیشتر دختران در اینگونه مناطق و گرایش های بیشتر خانواده ها به آموزش دختران در نظام آموزش رسمی، تغییر محسوسی در این شاخص فراهم کرده است.

• شاخص برابری جنسیتی در نرخ ثبت نام خالص و ناخالص دوره ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه

شاخص برابری جنسیتی در نرخ ثبت نام خالص و ناخالص در دوره های ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه در ایران نشان می دهد که این شاخص به نفع دختران بهبود یافته است . کشور ایران در نرخ ثبت نام خالص و ناخالص دوره ابتدایی به برابری جنسیتی دست یافته، اما در نرخ ثبت نام

است . در هدف گذاری های برنامه های توسعه آموزش و پرورش نیز افزایش سهم دختران از کل دانش آموزان به ویژه در مناطق روستایی و همچنین افزایش نرخ ثبت نام هدف گذاری انجام شده در اهداف آموزش برای همه نیز شاخص برابری جنسیتی (GPI) را بین ۰/۹۷ تا ۱/۰۳ در نرخ ثبت نام ناخالص ابتدایی و دوره راهنمایی تحصیلی و متوسطه از طریق ارتقاء سهم دختران از کل دانش آموزان تعیین کرده است.

۲/۵/۳- پیشرفت های حاصله بر مبنای نشانگرهای تعیین شده :

به منظور تبیین وضعیت برابری جنسیتی از شاخص GPI و نشانگرهای زیر استفاده شده است: شاخص برابری جنسیتی در جمعیت بزرگسالان با سواد در جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر، با سواد جمعیت ۱۵-۲۴ ساله، نرخ خالص ثبت نام دوره آموزش پیش دبستانی - نرخ ثبت نام خالص و ناخالص ثبت نام آموزش ابتدایی ، راهنمایی تحصیلی و متوسطه - درصد دانش آموزان دختر از کل دانش آموزان در دوره های مختلف تحصیلی، سهم دانش آموزان دختر روستایی از کل دانش آموزان روستایی - درصد معلمان زن از کل معلمان در دوره های ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه - درصد مدیران زن مدارس در هر یک از دوره های تحصیلی

• شاخص برابری جنسیتی با سواد جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر و جوانان ۱۵ - ۲۴ ساله :

شاخص برابری جنسیتی (GPI) در باسواد بزرگسالان ۱۵ ساله و بالاتر در سال ۲۰۰۰ معادل ۰/۸۵ بوده است که در سال ۲۰۱۳ به ۰/۹۲ تغییر



متوسطه نیز شاخص برابری جنسیتی در نرخ ثبت نام ناخالص این دوره نیز در حدود ۰/۹۴ است و هنوز با هدف گذاری انجام شده فاصله دارد.

درصد معلمان زن در دوره های مختلف تحصیلی ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه در طی سال های (۲۰۱۳ - ۲۰۰۰) افزایشی بوده و تماماً به بالاتر از ۵۰ درصد رسیده است. بطوریکه درصد معلمان زن دوره ابتدایی در سال ۲۰۱۳ به ۶۷ درصد، در دوره راهنمایی تحصیلی به ۵۲/۶ درصد و در دوره متوسطه به ۵۵/۶ درصد رسیده است. از جمله علل افزایشی سهم معلمان زن در تمامی دوره های تحصیلی را می توان در اتخاذ سیاست جذب و استخدام نامتناسب بین زنان و مردان است به علاوه عدم اقبال مردان برای تصدی شغل معلمی و گرایش شدید و انگیزه های بالای زنان در به استخدام در آموزش و پرورش را از جمله عوامل تأثیر گذاردانست. ر

ضمناً اجرای طرح بازنشستگی پیش از موعد با ارفاق سنوات خدمت سبب شد تا مردان تمایل بیشتری برای بازنشستگی پیش از موعد از خود نشان دهند. این امر موجب وارد آمدن خسارت به آموزش و پرورش کشور از قبیل بهم خوردن تناسب جنسیتی و کاهش کیفیت آموزشی گردیده است.

• **درصد مدیران زن از کل مدیران در دوره های مختلف تحصیلی ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه**

در طی سال های (۲۰۱۳ - ۲۰۰۰) درصد مدیران زن در مدارس ابتدایی از ۴۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۴۵/۶ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش

ناخالص دوره راهنمایی تحصیلی شاخص برابری جنسیتی در حدود ۰/۹۱ است و هنوز نابرابری بین دختران و پسران وجود دارد. همچنین در دوره

• **درصد دانش آموزان دختر از کل دانش آموزان در دوره های ابتدایی - راهنمایی تحصیلی و متوسطه**

در صد دانش آموزان دختر از کل دانش آموزان در تمامی دوره های تحصیلی باروند افزایشی روبرو بوده است. در دوره ابتدایی از ۴۷/۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۴۸/۶ درصد افزایش یافته، در دوره راهنمایی تحصیلی نیز از ۴۵/۳ درصد (سال ۲۰۰۰) به ۴۷/۶ درصد (سال ۲۰۱۳) می رسد و در دوره متوسطه نیز از ۴۴/۷ درصد سال ۲۰۰۰ به ۵۲/۲ درصد در سال ۲۰۱۳ تغییر می یابد. همانطور که مشاهده می شود این بهبود نسبی در برخورداری از آموزش در بین دختران در تمامی دوره های تحصیلی صورت گرفته است. اما در دوره متوسطه با کاهش ثبت نام پسران و خروج زود هنگام تعداد بیشتری از آنان از مدرسه وضعیت به نفع دختران تغییر یافته است و سهم آنان از ۵۰ درصد نیز بیشتر شده است. البته این بهبود به نفع دختران وضع در مناطق روستایی نیز به همان ترتیب بوده است.

• **درصد معلمان زن در دوره های مختلف تحصیلی ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه**



- عدم وجود طراحی توسعه گستره و شیوه های اجرای آموزش های جایگزین برای دختران از قبیل آموزش از راه دور و آموزش رسانه ای

۲/۶) کیفیت آموزش

۲/۶/۱- تعریف هدف:

« بهبود تمام جنبه های کیفی آموزش و پرورش و تضمین اعتدالی آن برای همه، بطوریکه کلیه نتایج یادگیری قابل اندازه گیری و مشخص، به خصوص در سواد، خواندن و نوشتن و حساب کردن و مهارت های اساسی زندگی و شهروندی برای همه بدست آید.»

در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، کیفیت یکی از مؤلفه های مهم در ارزیابی بروندهای آموزشی است. هر چقدر توان نظام آموزشی در توسعه فعالیت ها قوی باشد اما نتواند بر جنبه های اثر بخشی پایدار نتایج بدست آمده و تأثیر بلند مدت آن بر جامعه هدف متمرکز گردد، نمی توان انتظار داشت که اهداف به درستی تحقق یافته و در شرایط مختلف امکان بروز و پدید آیی داشته باشند.

در ادبیات توسعه نظام آموزش و پرورش، کیفیت پدیده ای است که توسط مولفه هایش تعریف می شود. به دلیل توجه توسعه کمی در زمان گذشته، مقوله کیفیت یکی از تجربه های جدید در نظام آموزشی ایران است اما در سیاستگذاری هایی که تاکنون در برنامه های میان مدت این بخش بعمل آمده است، بر روی ارتقاء کیفیت عوامل مختلف نظام آموزشی مانند درونداها، فرآیند، بروندها و پیامدها توجه شده است. در تدوین برنامه های اجرایی و برنامه های عمل مربوط به آن، سطوح دیگری از کیفیت نیز تعریف شده اند تا اطمینان لازم از درستی فعالیت های انجام شده و پایداری نتایج حاصله، بدست آید.

یافته است. اما در دوره راهنمایی تحصیلی این درصد تقریباً در حدود ۴۱ درصد ثابت باقی مانده و در دوره متوسطه نیز از ۴۸/۳ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۴۶/۵ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش داشته است. بدین ترتیب تغییرات در این نشانگر صرفاً در دوره ابتدایی افزایش مدیران زن را نشان می دهد.

۲/۵/۴- چالش های پیش رو:

چالش های پیش رو در ارتباط با هدف پنجم در برابری جنسیتی را می توان بشرح زیر برشمرد:

- ترک تحصیل زود هنگام دختران به خصوص در انتقال یک دوره تحصیلی به دوره تحصیلی بعدی
- وجود باورهای فرهنگی به ویژه در جوامع روستایی در ممانعت از ادامه تحصیل دختران در دوره های راهنمایی تحصیلی و متوسطه
- عدم تأمین امکانات کافی و مناسب برای دستیابی دختران در سطوح بالاتر تحصیلی بخصوص در مناطق روستایی و عشایری
- محدودیت در تأمین معلمان زن در مناطق روستایی که عامل مؤثری در جذب دختران است.
- ازدواج زود هنگام دختران بخصوص در مناطق روستایی و شهرهای کوچک که عملاً مانع دستیابی بیشتر دختران به آموزش می شود.
- منعطف نبودن برنامه های آموزشی متناسب با نیازها و ویژگی های دانش آموزان و از جمله دختران
- نیروی کار تلقی شدن دختران و زنان در بعضی جوامع و مناطق روستایی



۲/۶/۲- هدف گذاری برای ارتقاء کیفیت آموزش:

با توجه به اینکه کیفیت تمامی جنبه های نظام آموزشی و بویژه اهداف برنامه آموزش برای همه را شامل می شود، در سند ملی برنامه آموزش برای همه و برنامه های میان مدت توسعه در جمهوری اسلامی ایران، هدف گذاری های مربوط به ارتقاء کیفیت نیز به تفکیک اهداف ۵ گانه EFA و عوامل مختلف دروندادی آموزش انجام شده است.

- دوره پیش از دبستان : افزایش ۷ درصدی کارکنان دارای صلاحیت های دانشگاهی در وزارت آموزش و پرورش و افزایش ۱۵ درصدی صلاحیت حرفه ای مربیان پیش از دبستان در سایر دستگاه های ارایه دهنده خدمات در طول دوران برنامه، افزایش ۱۰ درصدی تولید راهنمای برنامه درسی ویژه دوره آمادگی و کامل شدن پوشش استفاده کنندگان از بسته های آموزشی دوره های پیش از دبستان (بویژه در مناطق روستایی)

- دوره آموزش پایه: برنامه ریزی برای ارتقاء عملکرد دانش آموزان دوره های مختلف تحصیلی در آزمون های مختلف مانند آزمون سنجش عملکرد دروس ریاضی و علوم (TIMSS)، آزمون سنجش مهارت خواندن (PIRLS) آزمون سنجش صلاحیت های پایه ، تغییر نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی از ارزشیابی پایانی به ارزشیابی فرآیند محور و توصیفی، تغییر تدریجی روش های یاددهی - یادگیری از سنتی به مشارکتی و گروهی، ارتقاء مهارت های حرفه ای معلمان، تعریف نرم ملی برای شاخص های نسبت دانش آموز به معلم و تراکم دانش آموز در کلاس، افزایش ۲۰ درصدی معلمان دارای صلاحیت های دانشگاهی، افزایش

سهم مشارکت بخش غیر دولتی در توسعه آموزش های پایه، تلاش برای کامل شدن نرخ گذر از ابتدایی به راهنمایی و کاهش ۴ درصدی نرخ گذر از راهنمایی به متوسطه در طول دوران برنامه

- آموزش کودکان با نیازهای خاص: کامل کردن درصد پوشش نوآموزان در طرح سنجش سلامت جسمانی و آمادگی تحصیلی برای تعیین وضعیت سلامت و توانایی ذهنی دانش آموزان، گسترش طرح سرویس ایاب و ذهاب رایگان به منظور جذب، نگهداشت و افزایش انگیزه ادامه تحصیل دانش آموزان با نیازهای ویژه، متناسب سازی محتوای کتب درسی با نیازهای ویژه دانش آموزان تحت پوشش، ارتقاء صلاحیت حرفه ای معلمان و مربیان آموزش و پرورش استثنایی و توسعه تدوین کتاب راهنما برای معلمان، مربیان و والدین دانش آموزان استثنایی

- سواد آموزی: تدوین طرح راهبردی سواد آموزی به منظور جهت دهی و اولویت بندی فعالیت های سواد آموزی، تلاش برای تثبیت سواد و مهارت های آموخته شده ی نوسوادان (توسعه فعالیت های پس از سواد آموزی)، غنی سازی مواد آموزشی براساس نیاز گروه هدف، اصلاح فرآیندهای یاددهی - یادگیری سوادآموزی و توسعه آموزش های ضمن خدمت آموزشیاران و دست اندرکاران امر سوادآموزی.



۲/۶/۳- پیشرفت های حاصله بر مبنای نشانگرهای تعیین

شده :

○ در طول اجرای برنامه آموزش برای همه، روند اجرای دوره پیش از دبستان با تغییراتی مواجه شد که براساس آن، ردیابی پیشرفت های حاصله براساس هدف گذاری های انجام شده در سند ملی امکان پذیر نمی باشد. تغییر عمده این دوره، واگذاری اجرای آن به بخش غیر دولتی بوده است. مرور نشانگرهایی که در بخش اول این فصل ارایه شده حاکی از آن است که درصد نوآموزان ورودی به پایه اول که این دوره را گذرانده اند از ۱۸/۵ درصد در ابتدای برنامه به ۳۱درصد در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است. نسبت نوآموز به مربی در طول سال های اجرای برنامه آموزش برای همه روند ثابتی داشته و متناسب با نرم های فعلی بین ۲۰ و ۲۱ نفر بوده است. درصد مربیان واجد شرایط (تحصیلات دانشگاهی) نیز تقریباً کامل شده است.

در یک نگاه کلی، بررسی شاخص های کیفی این دوره، نشان دهنده وضعیت مناسب این دوره از نظر کیفیت آموزش است.

○ در دوره ابتدایی، نرخ تکرار پایه دانش آموزان پایه های مختلف تحصیلی، بطور متوسط کاهش ۲/۵ درصدی داشته است. از سوی دیگر، نرخ ماندگاری دانش آموزان در این دوره بطور متوسط ۷ درصد افزایش داشته است. علت بهبود ارزش این دو نشانگر را می توان به عوامل مختلفی نسبت داد، از جمله : تغییر نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به توصیفی رشد ۴/۵ درصدی معلمان دارای صلاحیت های دانشگاهی و بهبود طبیعی تراکم

دانش آموز در کلاس . نسبت دانش آموز به معلم در این دوره با هدف گذاری انجام شده در سند ملی، در مناطق شهری ۱ نفر و در مناطق روستایی ۱/۱ نفر فاصله دارد.

○ در طول اجرای برنامه، افزایش نرخ گذر از ابتدایی به راهنمایی در کل دانش آموزان ۳/۹ درصد و در دختران ۲/۲ درصد بوده اما این روند در مناطق روستایی کاهش حدود ۵/۱۰ درصدی نشان می



دهد. نرخ گذر از دوره راهنمایی به متوسطه، رشد منفی داشته است.

○ در دوره سواد آموزی عمده ترین دستاوردهای کیفی عبارت بوده است از: اولویت بندی مخاطبان در دو گروه سنی ۳۰-۱۰ ساله و ۴۹-۳۱ ساله، تنوع بخشی به تهیه و تولید محتوا و مواد آموزشی، بهره گیری از ظرفیت های بخش خصوصی بطوریکه در حال حاضر تمامی عوامل آموزشی (آموزشیاران) از بخش خصوصی و به صورت خرید خدمت هستند و توسعه مشارکت های بین بخشی. با وجود این دستاوردها، اقدام لازم و کافی برای فعالیت های تثبیت سواد و چند تألیفی کردن برنامه های درسی سواد آموزی بعمل نیامده است.



۲/۶/۴ مهم‌ترین اقدامات انجام شده

- تدوین و اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بعنوان یک چهارچوب کیفی و نقشه راه تحقق اهداف پیش بینی شده وزارت آموزش و پرورش
- تشکیل دانشگاه فرهنگیان با هدف ایجاد رویکردی جدید به آموزش و ارتقاء حرفه‌ای معلمان
- تدوین نظام‌نامه و دستورالعمل اجرایی دوره پیش از دبستان به منظور ساماندهی اجرایی بین دستگاه های ارائه دهنده خدمات
- توسعه مشارکتهای بین بخشی
- افزایش سهم بخش غیر دولتی در اجرای فعالیت‌های آموزشی
- برنامه‌ریزی برای توسعه مناطق روستایی و کمتر برخوردار جهت ارتقاء شاخص‌های آموزشی و رفع نابرابری‌ها

۲/۶/۵ چالش‌های پیش‌رو

- عدم استقرار کامل مدل مفهومی ارتقاء کیفیت در کلیت نظام آموزشی
- عدم انطباق کامل مجموعه اجرایی با تغییر ساختار نظام آموزشی
- عدم توزیع متعادل نیروی انسانی در مناطق مختلف
- نابسندگی منابع مالی برای اجرای برنامه‌های ارتقاء کیفیت
- بالا بودن مقاومت در برابر تغییر در بین عوامل اجرایی نظام آموزشی

۲/۷ آموزش کودکان با نیازهای ویژه (کودکان استثنایی)

۲/۷/۱- تعریف هدف و دامنه آن

با توجه به اینکه همه افراد در حق و قانون بایکدیگر برابرند و افراد دارای معلولیت نیز بدون تبعیض و بر مبنای قانون مستحق بهره مندی کامل و برابر با سایرین از امکانات می باشند، در ساختار نظام آموزشی ایران نیز نظام آموزش و پرورش کودکان استثنایی جایگاهی ویژه داشته. و از سابقه ای دیرینه برخوردار است . در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمامی زمینه های مادی و معنوی را وظیفه دولت دانسته است، در این راستا سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی به عنوان سازمان مستقل زیر نظر وزارت آموزش و پرورش امور آموزشی این کودکان را بر عهده دارد.

در آموزش و پرورش کودکان استثنایی، نوآموزان و دانش آموزان گروههای کم توان ذهنی، آسیب دیده شنوایی، آسیب دیده نابینایی، معلول جسمی حرکتی، چند معلولیتی، اختلال رفتاری و هنجاری و اختلال های رشدی فراگیر (طیف اتیسم) و مشکلات ویژه یادگیری تحت پوشش قرار دارند. علاوه بر آن با اتخاذ سیاست جایگزین دانش آموزان با نیازهای ویژه در کنار دانش آموزان عادی روش آموزشی تلفیقی، فراگیر، انجام می شود. دانش آموزان تحت پوشش آموزش تلفیقی، فراگیر دارای یکی از آسیب های شنوایی، بینایی، معلول جسمی حرکتی، دیرآموز، مشکلات ویژه یادگیری، اختلال رفتاری و هیجانی هستند و جزو کودکان با نیازهای ویژه تعریف و طبقه بندی می شوند.

۲/۷/۲- وضعیت و پیشرفت نشانگرها

تحلیل داده ها و اطلاعات کودکان بانیاها های ویژه تحت پوشش آموزش کودکان استثنایی نشان می دهد که در سال ۲۰۰۰ کل کودکان تحت پوشش در مدارس استثنایی بالغ بر ۷۱ هزار نفر بوده که با احتساب دانش آموزان طرح آموزش تلفیقی فراگیر به حدود ۸۰ هزار نفر رسیده اند. در سال ۲۰۰۶ این تعداد با رشد افزایشی به حدود ۸۷ هزار نفر بالغ شده است. و در سال ۲۰۱۰ به حدود ۱۱۲ هزار نفر رسیده است . در بین تعداد دانش آموزان مدارس استثنایی در کشور حدود ۷۵٪ را کودکان کم توان ذهنی تشکیل می دهد. آسیب دیده شنوایی حدود ۱۱ درصد، چند معلولیتی ۶ درصد، آسیب دیده نابینایی ۳/۳ درصد و بقیه مربوط به سایر



- اختصاص نیروهای توان بخشی از قبیل گفتار درمان، کار درمان برای کودکان استثنایی
- اجرای سنجش سلامت جسمانی و آمادگی تحصیلی برای کلیه کودکان بدو ورود به دبستان که با اجرای این سنجش نوآموزان دارای آسیب های جسمی و یا اختلال های یادگیری پایه اول تعیین و به مراکز خاص معرفی می شوند.
- توسعه آموزش پیش حرفه ای برای دانش آموزان کم توان ذهنی که منجر به افزایش سال های تحصیل آنان گردیده است.
- توسعه مراکز آموزشی و توان بخشی دانش آموزان دارای مشکلات ویژه یادگیری
- توسعه آموزش تلفیقی - فراگیر که در راستای جایگزینی دانش آموزان با نیازهای ویژه است
- اجرای جشنواره های الگوهای برتر یاددهی - یادگیری در بین مدارس استثنایی

گروهها می باشد. نکته دیگر اینکه تعداد دانش آموزان آموزشی تلفیقی، فراگیر در سال ۲۰۰۰ معادل ۸ هزار نفر بوده که در سال ۲۰۰۶ حدوداً به ۱۹ هزار نفر افزایش داشته و بالاخره در سال ۲۰۱۰ تعداد آنان به حدود ۳۷ هزار نفر بالغ می شود به عبارت دیگر در طی یک دهه حدوداً ۴/۶ برابر شده است.

آموزش و پرورش کودکان استثنایی بر حسب سطوح تحصیلی به دوره پیش دبستان، ابتدایی - متوسطه اول (متوسطه پیش حرفه ای) - متوسطه دوم (متوسطه حرفه ای) تقسیم می شود. این سطوح تحصیلی متناسب با گروههای کودکان بانیزهای ویژه ایجاد شده است. دوره پیش دبستانی برای کلیه کودکان استثنایی الزامی و اجباری و رایگان است.

در سال ۲۰۰۰ از مجموع کل دانش آموزان مدارس استثنایی حدود ۱۵/۹٪ در دوره پیش از دبستان، ۶۳/۹ درصد دوره ابتدایی، ۱۴/۸ درصد دوره متوسطه اول و تنها ۵/۴ درصد در دوره متوسطه دوم مشغول به تحصیل بوده اند. در بین دوره های تحصیلی نیز در دوره پیش دبستان درصد دختران حدود ۴۳٪ بوده و در دوره ابتدایی ۳۸ درصد در دوره متوسطه اول ۴۰٪ و در دوره متوسطه دوم ۵۶ درصد دانش آموزان رادختران تشکیل می داده اند. در سال ۲۰۱۰ ترکیب دانش آموزان دوره های تحصیلی فوق تغییرات زیادی پیدا می کند. سهم نوآموزان دوره پیش دبستان از کل کودکان استثنایی به حدود ۱۴/۲ درصد می رسد. دوره ابتدایی ۶۰ درصد، دوره متوسطه اول ۱۲/۴ درصد و بالاخره سهم دوره متوسطه از کل دانش آموزان استثنایی به حدود ۱۳/۴ درصد بالغ می شود. اما در مجموع دوره ها سهم دختران به طور کلی کاهش می یابد و تقریباً در تمامی دوره ها حدود ۳۸ درصد دانش آموزان استثنایی را شامل می شود. به طور کلی اتخاذ راهبردها و سیاست های که پیشرفت ها در آموزش کودکان استثنایی بیان می کند را می توان به شرح زیر برشمرد:

- اجباری بودن دوره پیش دبستان برای کلیه کودکان استثنایی با هوش بهر عادی تا سن ۴ سالگی و کودکان کم توان ذهنی از ۴ تا ۶ سالگی



- اجرای برنامه توان بخشی دانش آموزان استثنایی برای پیشگیری از معلولیت ها و انطباق شرایط معلولین برای زندگی در جامعه
- برنامه آموزش خانواده و اطلاع رسانی به آنان

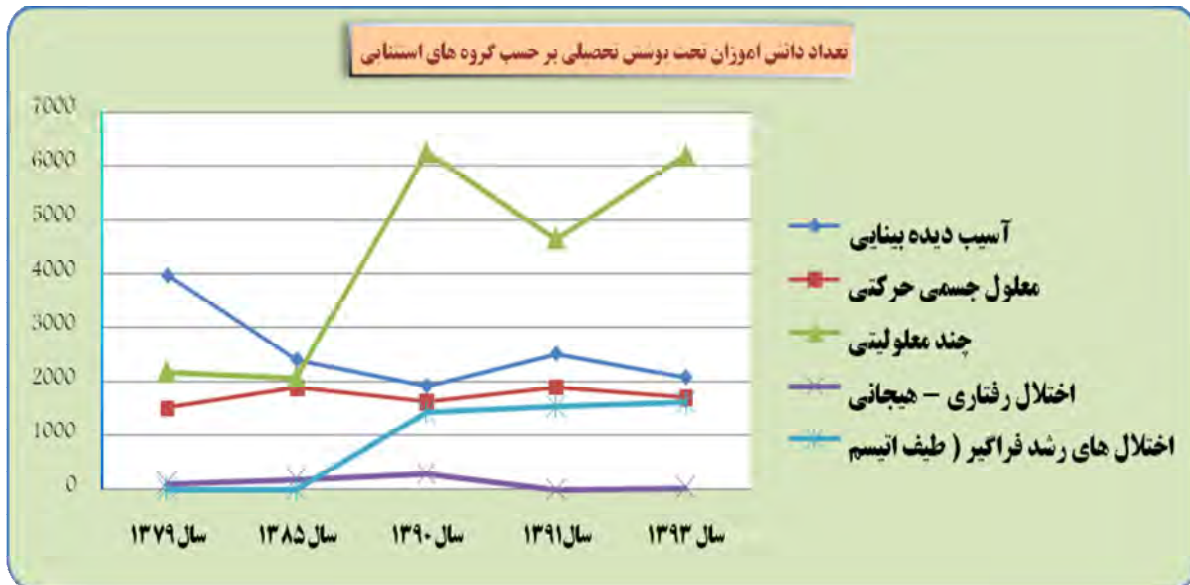


۲/۷/۳- چالش های پیش رو

- کمبود معلمان رابط و عدم تأمین و ارایه خدمات آموزشی مورد نیاز دانش آموزان بانیاذهای ویژه در مدارس عادی
- پراکندگی مکانی دانش آموزان در سطح شهرها و روستاها و مشکل تأمین امکانات رفت و آمد آنان به مدرسه
- کمبود نیروهای توان بخشی و عدم وجود ساختار اجرایی پذیرفته شده برای توان بخشی کودکان با نیازهای ویژه
- کودکان استثنایی به خصوص در اجرای آموزش تلفیقی فراگیر در مدارس عادی

با توجه به اقدامات و پیشرفت های حاصله برخی از چالش های موجود به شرح زیر است:

- وجود نگرش منفی نسبت به توانایی های کودکان بانیاذهای ویژه در بین آحاد جامعه و از جمله والدین
- عدم تناسب فضاها و تجهیزات آموزشی مدارس با نیازهای خاص





فصل سوم :

مروری بر راهبردهای آموزش برای همه





مروری بر راهبردهای آموزش برای همه

۳/۱ آموزش اوان کودکی

۳/۱/۱- راهبردهای اتخاذ شده :

- توجه به ضرورت توسعه دوره پیش از دبستان به ویژه در مناطق محروم در قوانین و اسناد بالا دستی از جمله سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش کشور
- افزایش سهم بخش دولتی در توسعه دوره و حمایت مشارکت های مردمی

- ایجاد زمینه های لازم جهت همسوسازی سیاست ها و روش های اجرایی در دوره آموزش پیش از دبستان
- ارتقاء شاخص های دسترسی کودکان به دوره پیش از دبستان از طریق به کارگیری شیوه های منعطف
- توجه به تفاوت های فرهنگی ، اقتصادی و آموزشی مناطق مختلف کشور در برنامه ریزی فعالیت های دوره آموزش پیش از دبستان

۳/۱/۳- عوامل بازدارنده

- کاهش اعتبار دوره آموزش پیش از دبستان و وجود محدودیت در منابع مالی، انسانی و فیزیکی به ویژه در سال های پایانی برنامه.
- تغییر سیاست آموزش و پرورش و واگذاری دوره آموزش پیش از دبستان به بخش غیر دولتی در سال های پایانی.
- انسجام ناکافی میان دستگاه های ارایه کننده خدمات آموزش پیش از دبستان در کشور.

۳/۱/۲- فعالیت ها و عوامل موفقیت آمیز

- افزایش اعتبار دوره آموزش پیش از دبستان از بودجه عمومی دولت و بودجه های آموزشی بویژه تا سال ۱۳۸۵.
- گسترش روستا مهدها و حمایت های بخش دولتی از آن.
- تصویب اساسنامه دوره آموزش پیش از دبستان در شورای عالی آموزش و پرورش.
- تصویب راهنمای برنامه دوره آموزش پیش از دبستان .
- تولید غیر متمرکز محتوای آموزشی دوره با رویکرد توجه به تفاوت های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی مناطق مختلف کشور.
- اجرای طرح راهکارهای توسعه دوره آموزش پیش از دبستان (آمادگی) و تنوع بخشی به نحوه تشکیل کلاس های این دوره .



۳/۲ آموزش پایه

۳/۲/۱- راهبردهای اتخاذ شده:

- بهبود مشارکت بخشی و بین بخشی در تحقق هدف
- متناسب سازی محتوا آموزشی در راستای بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش
- توسعه فضاها و محیط های یادگیری با تأکید بر آموزش مهارت های زندگی
- اصلاح و بازنگری نظام ارزشیابی تحصیلی و تغییر رویکرد آن از ارزشیابی نتیجه مدار با ارزشیابی فرآیند مدار
- ارتقاء شاخص های دسترسی به آموزش و افزایش پوشش تحصیلی
- بهبود و کاهش افت تحصیلی دانش آموزان در قالب اصلاح و کاهش نرخ تکرار پایه و ترک تحصیل
- ارتقاء صلاحیت های حرفه ای و دانش شغلی معلمان دوره ابتدایی

۳/۲/۳ عوامل بازدارنده

۳/۲/۲ فعالیت ها و عوامل موفقیت آمیز

- | | |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> ○ عدم وجود سامانه جامع آماری جهت شناسایی و ردگیری کودکان لازم التعلیم. ○ پراکندگی جغرافیایی و جمعیتی و صعب العبور بودن برخی از مناطق روستایی که در برخی از موارد ارایه خدمات آموزشی را مشکل می نماید. ○ وجود برخی از عوامل فرهنگی و اجتماعی و تعصبات قومی که مانع تحصیل کودکان بویژه دختران می گردد. ○ کمبود منابع مالی لازم. ○ ناکافی بودن همکاری های درون و برون سازمانی در راستای تحقق هدف. ○ عدم انعطاف کافی در محتوای، زمان و مکان آموزش به گونه ای که کودک لازم التعلیم بتواند در شرایط متفاوت و مختلف به تحصیل بپردازد. | <ul style="list-style-type: none"> ○ فراهم نمودن زمینه های لازم جهت دسترسی کلیه افراد لازم التعلیم به آموزش های رسمی با کیفیت از طریق دایر نمودن مدارس، تشکیل کلاس و تأمین معلم بویژه در مناطق محروم و روستایی. ○ بهره گیری از توانمندی و ظرفیت بخش های مختلف مانند شوراهای روستایی، خانه های بهداشت و جامعه محلی در شناسایی و جذب کودکان لازم التعلیم. ○ اتخاذ تدابیر لازم جهت حمایت از دانش آموزان در معرض افت تحصیلی از طریق برگزاری کلاس های جبرانی، آموزش خانواده ها. ○ بهره گیری معلمان از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی نوین در فرآیند تدریس و آموزش. |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|



۳/۳ یادگیری جوانان و بزرگسالان

۳/۳/۱- راهبرد های اتخاذ شده :

- توسعه خدمات راهنمایی و مشاوره تحصیلی برای دانش آموزان به منظور کاهش افت تحصیلی
- توسعه هنرستان های جوار کارخانه های صنعتی و تولیدی
- توسعه و تقویت طرح های خرید خدمات از بخش غیر دولتی و آموزش فنی و حرفه ای
- جذب و نگهداشت و ارتقای شایستگی مربیان سازمان آموزش فنی و حرفه ای
- توسعه و مشاکت بهره برداران از آموزش فنی و حرفه ای در بخش دولتی و غیر دولتی
- توسعه مشاوره آموزشی و شغلی در مراکز آموزش فنی و حرفه ای
- توسعه آموزش از راه دور و آموزش نیمه حضوری
- بهره گیری از ظرفیت های برون سازمانی مانند شورای شهر و روستا و انجمن اولیاء و مربیان برای شناسایی و جذب دانش آموزان
- توسعه فعالیت های مکمل و فوق برنامه و آموزش مهارت های زندگی به دانش آموزان و والدین
- استفاده از تمامی ظرفیت ها برای پوشش کاملتر دانش آموزان از قبیل مدارس شبانه روزی - روستا مرکزی و خوابگاه مرکزی در مناطق روستایی و عشایری

۳/۳/۳- عوامل بازدارنده

۳/۳/۲- فعالیت ها و عوامل قابلیت ساز و موفقیت آمیز

- | | |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> ○ باورهای فرهنگی که مانع حضور دختران شده است. ○ پراکندگی روستاها و فواصل زیاد آنها از یکدیگر و عدم دسترسی دانش آموزان روستایی به آموزش های سطوح بالاتر تحصیلی . ○ عدم تأمین معلمان واجد شرایط به ویژه تنوع دروس تخصصی در دوره راهنمایی تحصیلی و متوسطه ○ نیاز خانواده ها به نیروی کار جوانان که خود مانع از ادامه تحصیل آنان می شود. ○ منعتف نبودن برنامه های آموزشی و درسی | <ul style="list-style-type: none"> ○ حمایت مالی از مدارس شبانه روزی - روستا مرکزی . ○ تشکیل کلاس های راهنمایی تحصیلی ضمیمه مدارس ابتدایی روستایی. ○ برگزاری جشنواره های الگوهای برتر تدریس. ○ توسعه مراکز آموزش از راه دور در دوره راهنمایی تحصیلی و متوسطه ○ ایجاد هنرستان های جوار کارخانه ○ توسعه مراکز آموزش فنی و حرفه ای در بیش از ۵۰۰ شهر ○ واگذاری فعالیت های آموزش فنی و حرفه ای به بخش غیر دولتی و توسعه آموزشگاه های آزاد فنی و حرفه ای |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|



- اجرای برنامه های تثبیت سواد به منظور عدم بازگشت به بیسوادی
- تغییر در ساختار آموزشی و اجرایی سواد آموزی و تنوع به تهیه و تولید مواد آموزشی
- استفاده از مشارکت بخش غیر دولتی در امر سواد آموزی و جلب مشارکت های بین بخشی

۳/۴ سواد آموزی بزرگسالان

۳/۴/۱- راهبردهای اتخاذ شده :

- پالایش و رصد وضع بیسوادان در بین مناطق ، گروههای شغلی و ...
- بهره گیری از ابزارهای رسانه ای برای توسعه فعالیت های سواد آموزی

۳/۴/۳- عوامل بازدارنده

۳/۴/۲- فعالیت ها و عوامل قابلیت ساز و موفقیت آمیز

- بکارگیری آموزشیاران و مشکلات استخدامی آنان
- فقدان انگیزه یادگیری و برخورداری از سواد برای افراد با سن بالا
- غیرکاربردی بودن محتوای برنامه های سواد آموزی
- پراکندگی جغرافیایی و موقعیت های اجتماعی و فرهنگی بیسوادان
- فقدان ساز و کارهای تشویقی برای آموزشیاران و نبود مشوق های لازم برای سواد آموزان
- عدم اختصاص زمان کافی برای کارگران بیسواد از سوی کار فرمایان برای سواد آموزی آنان

- تصویب قوانین و سیاست های اجرایی در شوراهای سیاستگذاری کشور
- ایجاد مراکز یادگیری محلی CLC
- سواد آموزی کارگران - زندانیان و سربازان
- توسعه سواد آموزی در بین عشایر و روستاهای صعب العبور
- آموزش رسانه ای و توسعه
- اجرای طرح های گروه پی گیر سواد- ایجاد کتابخانه های سیار برای بیسوادان و اجرای طرح خواندن همراه با خانواده



۳/۵ ارتقاء برابری جنسیتی:

۳/۵/۱- راهبردهای اتخاذ شده

- ارتقاء نشانگرهای دسترسی به آموزش و پوشش تحصیلی به ویژه برای دختران از طریق مداخله بر موانع آموزشی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر
- انجام سیاستگذاری های متناسب با شرایط تحصیلی دختران و انطباق مقررات آموزشی برای افزایش پوشش تحصیلی دختران

- مشارکت های بین بخشی در رفع موانع آموزشی در مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی
- توسعه تربیت بدنی و ورزش دختران
- برنامه ریزی و تخصیص منابع مالی و انسانی مورد نیاز برای کاهش نرخ بیسوادی زنان روستایی
- ایجاد فرصت های مناسب برای ادامه تحصیل معلمان زن

۳/۵/۲- عوامل بازدارنده

۳/۵/۱- فعالیت ها و عوامل موفقیت آمیز

- | | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> ○ پراکندگی جمعیت روستایی و تأثیر آن بر ارائه خدمات آموزشی مورد نیاز برای توسعه آموزش های دختران ○ وجود عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که بر ادامه تحصیل دختران و استفاده آنان از خدمات آموزشی فراهم شده تأثیر منفی می گذارد. ○ عدم انطباق تقویم آموزش رسمی بر شرایط خاص اقتصادی - اجتماعی دختران بویژه در مناطقی که دختران نیروی کارمولد محسوب می شوند. ○ کمبود امکانات و فضاهای ورزشی مناسب برای دختران ○ وجود عوامل خانوادگی و اجتماعی که مانع سواد آموزی زنان می شود. | <ul style="list-style-type: none"> ○ وضع قوانین، مقررات و سیاست های حمایتی برای آموزش دختران ○ استفاده از ظرفیت های جوامع محلی و شوراهای اسلامی ○ برنامه ریزی منطقه ای برای توسعه و ساخت مدارس دخترانه ○ تخصیص سهمیه ویژه معلمان زن در مؤسسات آموزش عالی و دانشگاهی ○ تغییر بر جریان هدایت تحصیلی دانش آموزان دختر به سمت دوره و رشته هایی که از مقبولیت اجتماعی بیشتری برای دختران برخوردارند ○ وارد کردن نیازهای خاص زنان در ابعاد مختلف در محتوای آموزشی و منابع کمک آموزشی سواد آموزی |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|



۳/۶ کیفیت آموزش:

۳/۶/۱- راهبردهای اتخاذ شده

- گسترش و توسعه فعالیت های ورزشی، تربیت بدنی و پرورشی دانش آموزان دوره های مختلف تحصیلی
- جهت دهی به برنامه های توسعه با هدف ارتقاء کیفیت فعالیت های آموزشی و پرورشی
- ارتقاء نشانگرهای مرتبط با کیفیت آموزش در دوره های مختلف تحصیلی و برنامه های سواد آموزی
- تدوین سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش با محوریت ارتقاء کیفیت و کیفی سازی جنبه های مختلف نظام آموزشی
- زمینه سازی برای تدوین و اجرای برنامه درسی ملی متناسب با نیازهای مختلف نظام آموزشی

۳/۶/۳- عوامل بازدارنده

۳/۶/۲- فعالیت ها و عوامل موفقیت آمیز

- | | |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> ○ عدم وجود رویکرد مفهومی و چارچوب نظری در خصوص کیفیت (سیاست های کلی سند تحول بنیادین هنوز به برنامه های عملیاتی تبدیل نشده است) ○ تغییر ساختار نظام آموزشی و تغییر در توزیع پایه های تحصیلی مقاطع مختلف ○ عدم توزیع متعادل نیروی آموزشی با کیفیت در مناطق مختلف کشور ○ نابسندگی منابع مالی برای اجرای فعالیت های کیفی سازی ○ هزینه بر بودن و طولانی بودن اصلاح در روش های یاددهی - یادگیری ○ بالا بودن مقاومت در برابر تغییر در عوامل اجرایی نظام آموزشی | <ul style="list-style-type: none"> ○ اجرای طرح توسعه و نوسازی مدارس برای با هدف ساخت و مقاوم سازی مدارس مورد نیاز و تعدیل شاخص تراکم دانش آموز در کلاس ○ جذب معلمان جدید و باز توزیع معلمان موجود (تأخدا مکان) متناسب با نیازهای سالانه نیروی انسانی به منظور تعدیل شاخص نسبت دانش آموز به معلم ○ استفاده از ظرفیت های قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش و قانون تشکیل مدارس غیر دولتی به منظور استفاده از ظرفیت های بخش غیردولتی و جوامع محلی ○ تشکیل دانشگاه فرهنگیان از ادغام مراکز تربیت معلم و ساماندهی فعالیت های مربوط به ارتقاء صلاحیت حرفه ای معلمان از طریق دوره های آموزشی بدو و ضمن خدمت ○ توسعه مدارس پرورش استعداد های درخشان به منظور ارایه آموزش های کیفی به استعدادهای برتر |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|



فصل چهارم:

تحلیل چالش های گلان و اولویت های

توسعه آموزش و پرورش



توانا بود هر که دانا بود

زدانش دل پیر برنا بود





تحلیل چالش های کلان و اولویت های توسعه آموزش و پرورش

با این روند منطقی کماکان فرصت مطلوبی در اختیار آموزش و پرورش خواهد بود تا بتواند رویه های اجرایی خود را بهبود داده و اصلاحات لازم را در روش ها و بویژه کیفی سازی فعالیت های آموزشی و پرورشی به انجام برساند. نکته قابل توجه دیگر در این حوزه، نزدیک شدن نسبت جنسیتی در موالید است. براساس پیش بینی های انجام شده، طی دهه آینده سهم دختران و پسران در موالید جدید به هم نزدیک خواهد شد. این سهم که تا زمان حاضر تفاوت حدود ۲درصدی را به نفع پسران نشان می داد (و همانطور که در تحلیل پیشرفت های مربوط به برابری جنسیتی نشان داده شد، بر روند برابری جنسیتی فعالیت های مختلف آموزشی تأثیرگذار بود) در دهه آینده الزاماتی را برای بخش آموزش و پرورش بوجود خواهد آورد. با توجه به اینکه در جمهوری اسلامی ایران آموزش بصورت تفکیک جنسیتی ارائه می شود، بالا رفتن سهم جمعیتی دختران موجب ایجاد نیاز برای دروندادها و فرآیندهای آموزشی خاص برای دختران شده و می بایست در برنامه ریزی برای مواردی مانند ساخت مدارس، جذب معلمان زن و حمایت های اجتماعی خاص توسعه آموزشی دختران مورد توجه قرار گیرد.

۴/۱) تحلیل چالش های کلان جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی:

نظام برنامه ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حال تدوین برنامه ششم توسعه است. با توجه به مقررات موجود، گزارش رسمی مربوط به چالش های پیش رو، سیاست های ملی و خطوط کلی توسعه بخش های مختلف از جمله آموزش و پرورش می بایست مبتنی بر مطالعات پژوهشی مربوط به تدوین برنامه توسعه باشد. با وجود این مطالعات اولیه و برآوردهایی که در این زمینه انجام شده است، چالش های فراروی توسعه کشور تا سال ۲۰۲۰ که به نوعی می توانند بر بخش آموزش تأثیرگذار باشند را به شرح زیر نشان می دهد:

• تغییرات جمعیتی :

در روند های جمعیتی، برآورد حاکی از آن است که روند رشد جمعیت گذار تا سال ۲۰۲۰ روندی آرام با شیبی کاملاً ملایم می باشد. در این دوره جمعیت گروه لازم التعلیم ۱۷-۶ ساله از رشد متوسط سالانه ۰/۲ برخوردار خواهد شد.



در حوزه اجتماعی - فرهنگی یکی از مزیت های اساسی جمهوری اسلامی در این است که در قوانین بالا دستی کشور - بویژه قانون اساسی و قوانین موضوعه - هیچ زمینه ای برای شکل گیری تبعیض قومیتی، نژادی، مذهبی و جنسیتی وجود ندارد. از این رو خط به حاشیه رانده شدن برخی از گروهها نه در گذشته وجود داشته و نه در پیش بینی روندهای آینده دیده می شود. اگر چه وجود برخی نگرش ها و باورهای فرهنگی به حوزه ی آموزش، توانسته موانعی را در راه تحقق اهداف آموزشی ایجاد نماید اما با راهکارهایی که در استفاده از ظرفیت جوامع محلی و شوراهای اسلامی اندیشیده شده است، تعدیل قابل توجهی در آثار منفی این نگرش ها بوجود آمده است.

صرف نظر از باورهای فرهنگی، نگرش های اجتماعی به آموزش دستخوش تغییراتی شده و ادامه روند آن در آینده محتمل است. در وهله اول، هدایت تحصیلی دانش آموزان در دوره متوسطه دستخوش نگرش های خاص اجتماعی است. تقاضای بالای ورود دانش آموز به دوره متوسطه نظری بویژه در رشته های پرکاربرد و ورود به رشته های خاص دانشگاهی در دانشگاه های با کیفیت بالاتر چالش عمده ای محسوب شده و سبب گردیده توازن هرم دانش آموزی از بین برود. علاوه بر این موضوع، تقاضای اجتماعی رو به افزایش برای تحصیل در خارج از کشور نیز تأثیر زیادی بر جریان های دانش آموزی در ورود به رشته های خاص دوره متوسطه دارد. در نقطه مقابل، برخی نگرش ها و ضرورت ها نیز زمینه ساز خروج زود هنگام دانش آموزان از نظام آموزشی و ورود به بازار کار شده و پیش بینی می شود در دهه آینده نیز شکل ویژه تری به خود بگیرد. از این رو ضروری است در برنامه ریزی های آتی، تدوین سیاست هایی برای مداخله در نگرش ها و باورهای خاص اجتماعی - بویژه باورهایی که موجب برهم

• تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی :

در حوزه اقتصادی، رویکردهای جدیدی به مبحث توسعه کلان در کشور بوجود آمده است. رویکرد توسعه دانش بنیان که از یک دهه گذشته محوریت اصلی توسعه اقتصادی ایران را تشکیل می داد، وارد مرحله جدیدی از کاربرد خود شده و جهت گیری اصلی توسعه آینده را به خود اختصاص خواهد داد. با توجه به پیشرفت های قابل توجه علمی و فناوری در کشور، شتاب گرفتن روند تولید علم و محسوس شدن مزیت نسبی دانش فنی متخصصان ایرانی در حوزه های مختلف علمی و فناوری، رویکرد آینده، رویکرد اقتصاد بدون نفت به منظور استفاده از مزیت های نسبی علمی و تولید ثروت از طریق توسعه علمی خواهد بود. در این رویکرد، وضعیت بخش آموزش و پرورش نیز با تحولاتی روبرو خواهد شد. با توجه به اینکه در این دیدگاه توسعه ای، آموزش محور اصلی تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد خواهد بود و آموزش و پرورش نیز سهم عمده ای در تربیت زیر ساخت های این نیاز ایفا خواهد کرد، هم رویه های اجرایی این بخش با تغییراتی مواجه خواهد شد (و به سمت کیفی سازی خواهد رفت) و هم پارادایم اقتصاد آموزش و نحوه تأمین منابع مالی بخش آموزش و پرورش دچار دگرگونی خواهد شد. پیش بینی ها حکایت از آن دارد که در زمان اصلاح شیوه های مالی دولتی و جایگزین کردن روش های جدید با روش های سنتی، امکان محدودیت منابع برای بخش آموزش و پرورش نیز وجود خواهد داشت. بنابر این ضروری است در برنامه ریزی اقتصادی بخش، به ایجاد ظرفیت های جدید برای تنوع بخشی به منابع مالی و استفاده از ظرفیت سایر بخش های موجود جامعه (به نحوی که در توسعه عادلانه خلی ایجاد نشود) جایگاه ویژه ای داده شود.



دیگر بدلیل مشخص نبودن جایگاه استخدامی مربیان مهدکودک در دستگاه های دولتی و غیردولتی، انگیزه کمی میان فارغ التحصیلان رشته های دانشگاهی مرتبط برای تدریس در این دوره وجود داشته و ارتقاء شرایط کیفی مربیان موجود نیز مستلزم صرف زمان و هزینه قابل توجهی خواهد بود. این وضعیت در مناطق روستایی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است زیرا علاوه بر مشکلات مربوط به توسعه کمی و افزایش نوآموزان در دوره های آموزشی، پایین بودن انگیزه مربیان برای حضور در مناطق روستایی نیز به دشواری برنامه ریزی در این دوره خواهد افزود.

یکی دیگر از چالش هایی که با افزایش سرعت رشد فناوری در کشور بر این دوره تأثیرگذار خواهد بود، کمبود محتوای آموزشی مناسب با نیازها و ویژگی های عصر فن آوری جدید است. اگر چه در کلان شهرها و مناطق برخوردار با خود تأمین منابع از سوی والدین و مراکز غیردولتی این مشکل کمتر به چشم می خورد اما این وضعیت در مناطق روستایی و کمتر برخوردار مشکل ساز خواهد بود.

هدف ۲: با اقداماتی که در طول سه دهه گذشته در بخش آموزش و پرورش انجام شده و با وجود وسعت و پراکندگی جمعیتی قابل توجه، میزان مشارکت در آموزش دوره ابتدایی و راهنمایی از ارزش بالایی برخوردار بوده و از این حیث، کشور جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای با نرخ بالا در پوشش و نگهداشت دانش آموزان آموزش پایه محسوب می شود. با وجود این کماکان وجود درصدی از کودکان بازمانده از تحصیل یا کودکانی که قبل از پایان دوره آموزشی، مدرسه را ترک می کنند نظام آموزشی را با الزاماتی برای تأکید بر توسعه کمی آموزش پایه مواجه می سازد. برنامه ریزی برای شناسایی، جذب و آموزش کودکان خارج از مدرسه در درجه اول نیازمند مسدود کردن مبادی افت

خوردن تعادل آموزشی می شود - در دستور کار قرار گرفته و نظام آموزشی با تنوع بخشی به جنبه های مختلف زمینه بروز یا تشدید این باورها را از میان بردارد.

در حوزه فناوری نیز پیشرفت های قابل توجهی در توسعه و کاربرد فناوری های مختلف بویژه کاربرد ICT در کشور بوقوع پیوسته است. این کاربرد در حوزه آموزشی تأثیر بسزایی دارد. بخش آموزش عالی کشور با برنامه ریزی برای استفاده بهینه از این فناوری هم جنبه های عدالت آموزشی را ارتقاء داده و هم توانسته است با توسعه دوره های مجازی یا رایج مجازی برخی دروس، صرفه جویی قابل توجهی در هزینه ها به انجام برساند. متأسفانه این کاربرد در بخش آموزش و پرورش مجال کمتری داشته است. نهادینه شدن روش های سنتی یاددهی - یادگیری، مقاومت در برابر تغییر و ترس از پیامدهای احتمالی ناشی از تغییر روندهای سنتی و جایگزینی آن با روش های نوین سبب شده است فناوری نو کاربرد کمتری در این بخش داشته باشد. با توجه به اینکه رویکردهای جدیدی برای توسعه در دستورکار آینده بخش قرار دارد، عدم زمینه سازی برای توسعه کاربردهای فناوری های نوین در دهه آینده آثار نامطلوب بیشتری در بخش برجای خواهد گذارد و مجال اجرای بسیاری از برنامه های نوآورانه را از میان خواهد برد.

۴/۲) چالش های کلان فراروی اهداف شش گانه برنامه آموزش برای همه:

هدف ۱: در دوره پیش از دبستان حمایت های اجتماعی ایجاد و تقاضا برای این نوع از آموزش ها به طرز چشمگیری افزایش یافته است. با وجود این عدم هماهنگی لازم برای برنامه ریزی و ساماندهی دوره بین دستگاه های ارایه دهنده خدمات از سرعت توسعه این هدف خواهد کاست. از سوی



نگرش های خاص در بین جوانان برای ورود زود هنگام به بازار کار اثرگذار بوده اند.

در بعد مدیریت نظام آموزشی تا کنون سامانه آماری جامعی از اطلاعات مربوط به جمعیت گروه هدف بوجود نیامده که بتواند بر دقت و درستی مسیر سیاستگذاری ها بیفزاید. علاوه بر آن، وابستگی بیش از حد به منابع دولتی و نابسندگی منابع مالی موجود بدلیل بالابودن وزن هزینه های پرسنلی نسبت به هزینه های غیر پرسنلی، مشکلات بودجه ای قابل توجهی را در این حوزه بوجود آورده است.

در بعد فرآیند آموزشی وجود برخی عوامل بازدارنده، زمینه ساز افزایش پدیده افت تحصیلی و خروج زودهنگام از نظام آموزشی می شود. این عوامل در حوزه آموزش های فنی و حرفه ای زمینه اثرگذاری بیشتری داشته اند زیرا وجود نگرش های منفی نسبت به تحصیل در هنرستان های فنی و حرفه ای، بی کیفیت بودن آموزش ها به دلیل کمبود تجهیزات کارگاهی مناسب و به روز در توسعه این نوع از آموزش ها، تحقق سیاست های هدف گذاری شده در این بخش را با چالش اساسی مواجه نموده و پیش بینی می شود این چالش ها در دهه آینده باشدت بیشتری ادامه داشته باشد.

هدف ۴: در طول سه دهه گذشته روند رشد فعالیت های سواد آموزی در جمهوری اسلامی ایران بسیار چشمگیر بوده است. به طوری که منجر به دریافت چندین جایزه بین المللی و منطقه ای از جمله از سازمان یونسکو شده است. اما در ۵ سال گذشته از شتاب برنامه ها کاسته شده است. در حال حاضر براساس آمارهای موجود، نرخ بیسوادی در کشور حدود ۱۶ درصد است اما تحت پوشش قراردادن این درصد به دلیل پراکندگی جغرافیایی و پایین بودن انگیزه فردی با دشواری های بسیار زیادی مواجه است. نظام سوادآموزی در کشور، متمرکز و تک تألیفی است از این رو کمتر می تواند به شرایط

تحصیلی از طریق مقررات زدایی برای مقابله باتکرار پایه و ترک تحصیل، و در درجه دوم مستلزم دستیابی به آمار و اطلاعات دقیق برای شناسایی این افراد به تفکیک پراکندگی های منطقه ای و جنسیتی است. علاوه بر این نمی توان بالا بودن هزینه فرصت آموزش را در مناطق خاص کشور که به نوعی جزو عوامل محیطی بخش آموزش و پرورش می شود از نظر دور داشت.

از سوی دیگر و به عنوان یک عامل درونی مهم، نهادینه شدن روش سنتی «معلم - کتاب محور» در روش های یاددهی - یادگیری و تکیه بر محفوظات در روش های ارزیابی پیشرفت تحصیلی، مقاومت در برابر تغییر در بین معلمان دوره آموزش پایه را افزایش داده است. تغییر ساختار نظام آموزشی و افزایش طول سال های دوره ابتدایی به شش سال و تقسیم دوره متوسطه به دو سطح نیز موجب تغییر در ترکیب اداری و ساماندهی منابع انسانی شده و انجام هر گونه اقدام اصلاحی برای تغییر در شیوه های یاددهی - یادگیری و ارزیابی پیشرفت تحصیلی را با دشواری بیشتری مواجه نموده است بطوریکه انتظار بهینه شدن شرایط حداقل برای ۳ سال مقدور نیست.

هدف ۳: برای تحقق سیاست های هدف ۳ چند دسته عوامل بازدارنده وجود دارد که با وجود برنامه ریزی و سیاستگذاری مناسب در سالهای گذشته، موفقیت کمی برای تعدیل آثار آنها بدست آمده است. در بعد جغرافیایی پراکندگی روستاها، صعب العبور بودن مسیرهای دسترسی و عدم توزیع یکنواخت جمعیت در مناطق مختلف از جمله مهم ترین عوامل چالشی بوده اند که موجب شده اند بخش قابل توجهی از منابع مالی آموزش به آنها معطوف دارد.

در بعد اجتماعی وجود نگرش های بازدارنده فرهنگی در برخی مناطق و قومیت ها، بالابودن هزینه فرصت آموزش و وجود



همانطور که پیشتر گفته شد نابرابری جنسیتی در ایران، نهادی نیست بدین معنی که از قوانین و مقررات و سیاست های کلی توسعه کشور ناشی نمی شود بلکه عمدتاً از مواردی مانند نگرش های فرهنگی بازدارنده نسبت به آموزش دختران، بالا بودن هزینه فرصت آموزش دختران در مناطق روستایی و خاص، عدم انعطاف در برنامه های آموزشی و کمبود فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی خاص دختران بوجود می آید. پیش بینی ها نشان می دهد مداخله جوامع محلی به منظور بومی کردن شرایط آموزش در این حوزه می تواند راهگشا باشد.

هدف ۶: ارتقاء کیفیت، تجربه جدیدی در نظام آموزشی کشور محسوب می شود. اگر چه در برنامه های مختلف توسعه ای توجه ویژه ای به مبحث کیفیت شده است اماغلبه روندهای کمی و الزامات ناشی از آن، مجال پرداختن به مقوله های کیفی را با محدودیت هایی مواجه نموده است. از این رو پرداختن به موضوع کیفیت در دهه آینده نیازمند تدوین چارچوب درونی شامل پرداختن به تمامی جنبه های کیفی نظام آموزشی بویژه منابع انسانی، محتوای درسی، روش های یاددهی - یادگیری و توسعه کاربرد فناوری های نوین است. البته با توجه به هزینه بر بودن استقرار زیرنظام های کیفی در بخش آموزش و پرورش پیش بینی می شود این موضوع مستلزم صرف هزینه های قابل توجه و زمان طولانی باشد که می بایست در برنامه ریزی ها مدنظر قرار گیرد.

۴/۳) اولویت های آینده و چشم انداز توسعه بخش آموزش و پرورش:

و ویژگی های خاص گروه هدف پردازد. همین امر سبب شده تقاضای اجتماعی برای سوادآموزی کاهش چشمگیری داشته باشد. از سوی دیگر، محدود بودن فعالیت های آموزشی پس از سواد، زمینه برگشت به بیسوادی در گروهی از نوسوادان را فراهم می نماید. همچنین، وجود برخی مقررات آموزشی، اعتبار بخشی به مدرک تحصیلی بدست آمده از فعالیت های سوادآموزی را با دشواری روبرو می سازد به نحوی که ادامه تحصیل در نظام آموزشی رسمی یا نظام متناظر با آن را برای دارندگان مدرک سوادآموزی را مشکل ساز نموده است.

با توجه به موارد بالا و مطالعه ای که در حوزه فعالیت های سوادآموزی انجام شده است می توان چنین برداشت نمود که آینده هدف ۴ یکی از پرچالش ترین اهداف برنامه آموزش برای همه در جمهوری اسلامی ایران است و می بایست در برنامه ریزی های آتی، جایگاه ویژه ای به همکاری بین بخشی برای توسعه فعالیت های سوادآموزی، تلاش برای انسداد مبادی ورودی به بیسوادی، تنوع در تعریف سواد، متنوع کردن محتوای درسی و برنامه های آموزشی، تقویت عزم ملی برای برنامه ریزی و سیاستگذاری فعالیت ها، استفاده بهینه از ظرفیت جوامع محلی، اعتبار بخشی مناسب به مدارک صادره از سوی نظام غیر رسمی سوادآموزی و تدوین نظام جدیدی ازادغام فعالیت های سوادآموزی و آموزش بزرگسالان (در قالب یک نظام غیررسمی استاندارد) داده شود.

هدف ۵: در بررسی نشانگرهای کل کشور، چالش قابل توجهی برای این هدف وجود ندارد اما بررسی های دقیق تر از وجود نابرابری های جنسیتی منطقه ای حکایت دارد. این نابرابری منطقه ای عمدتاً در شاخص هایی مانند نرخ های جذب، ثبت نام و با سوادی دختران و زنان مشهودتر است.



ارتقاء و بهبود امنیت غذایی و تنوع در ارائه خدمات به خانه ها و مراکز بهداشتی روستایی به دانش آموختگان.

- آموزش پایه : انسداد مبادی خروج زود هنگام از آموزش بویژه از طریق نهاد سازی و وضع قوانین و مقررات لازم با توجه به شرایط ناظر بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گروه هدف؛ کیفیت بخشی به خدمات آموزشی، عملیاتی کردن راهبرد مدرسه محوری، برون سپاری بخشی از فعالیت های اجرایی آموزشی بویژه از طریق مشارکت بخش دولتی و غیردولتی، استفاده از ظرفیت های جوامع محلی، اصلاح و بازنگری نظام ارزشیابی تحصیلی، مکان یابی فضاهای آموزشی با توجه به رویکرد آمایش سرزمین، توسعه کاربرد فناوری IT در مدارس هم برای آموزش و هم برای ارتقاء توان حرفه ای معلمان و طراحی و اجرای نظام منعطف و اقتضایی آموزش و پرورش روستایی

- آموزش متوسطه: شناسایی و رفع عوامل تأثیرگذار بر گذر از دوره راهنمایی به دوره متوسطه، مداخله مؤثر بر جریان هدایت تحصیلی دانش آموزان به منظور ایجاد تعادل در تعداد دانش آموزان دوره های متوسطه نظری و متوسطه فنی و حرفه ای، توسعه رشته های فنی و حرفه ای با توجه به نیاز بازار کار، استفاده از بخش غیررسمی فنی و حرفه ای به عنوان مکمل دوره های رسمی،



نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در آینده توسعه ای خود با دو مجال روبروست. اول، فرصت باقیمانده تا سال ۲۰۱۵ که هم سال پایانی برنامه آموزش برای همه محسوب می شود و هم سال پایانی برنامه پنجم توسعه ملی. علاوه بر این اهمیت، این دوره زمان آماده سازی شرایط برای استقرار کامل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز می باشد، سندی که دست کم برای دوده آینده، جهت گیری اصلی توسعه بخش و پارادایم ملی برای ارتقاء وضعیت نظام آموزش و پرورش راترسیم می نماید. دوم، چشم انداز پس از سال ۲۰۱۵ که از بعد ملی زمان تدوین و اجرای برنامه ششم توسعه و وارد کردن سیاست های کلی سند تحول بنیادین در برنامه های میان مدت و برنامه های عمل مربوط به آن بوده و از بعد بین الملل، مشارکت با جامعه جهانی در تدوین و اجرای برنامه های جایگزین آموزش برای همه با توجه به اولویت های منطقه ای و جهانی خواهد بود.

نتایج بدست آمده از مطالعات ارتقاء سنجی بخش آموزش و پرورش نشان دهنده آن است که تا سال ۲۰۲۰، محورهای زیر جزو اولویت های اصلی توسعه در هر یک از دوره های هدف می باشد:

- آموزش پیش از دبستان و مراقبت های اوان کودکی: افزایش کمک های ملی برای توسعه دسترسی به آموزش از طریق بخش غیر دولتی، همسو کردن مدیریت، برنامه ریزی و ساماندهی دستگاه های اجرایی ارائه دهنده خدمات، توسعه دوره های یک و دو ماهه آمادگی در استان های دو زبانه و توسعه و ایجاد تنوع در خدمات خانه ها و مراکز بهداشتی روستایی، ارتقاء و بهبود نظام امنیت غذایی، توسعه بیمارستان های دوستاندار کودک جهت ارائه بسته های حمایتی بهداشتی



برای دختران بویژه در مناطق روستایی، ایجاد زمینه های لازم برای جذب معلمان بومی زن در مناطق روستایی، ورود نیازهای خاص دختران در برنامه ریزی های توسعه آموزش و استفاده از ظرفیت های جوامع محلی و شوراهای اسلامی.

• کیفیت آموزش: اجرای دقیق سیاستی ها و راهبردهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به منظور طراحی چارچوب ارتقاء کیفیت در نظام آموزش و پرورش کشور، اعمال سیاست های اصلاحی در جذب و برنامه های درسی تربیت معلم، توسعه آموزش های ضمن خدمت معلمان به شیوه های گوناگون به ویژه با کمک ICT، توسعه کاربرد آمایش سرزمین در طراحی و ساخت مدارس، منطبق کردن تقویم آموزشی با شرایط خاص جغرافیایی و اقلیمی مناطق مختلف و تسریع در روند تدوین و اجرای برنامه درسی ملی .



ارتقاء توان حرفه ای معلمان و مربیان، توسعه کاربرد فناوری IT، انجام اقداماتی برای به حداقل رساندن هزینه فرصت آموزش در دوره متوسطه، تنوع بخشی به منابع مالی و اصلاح نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

• سوادآموزی: انسداد مبادی ورودی به بیسوادی از طریق اعمال تقویت های لازم در دوره آموزشی رسمی بویژه دوره آموزش پایه، اولویت بندی فعالیت های سوادآموزی با هدف به صفر رساندن بیسوادی در گروه سنی ۴۹-۱۰ ساله، طراحی و استقرار نظام جامع آموزش بزرگسالان، تنوع بخشی به تعریف سواد و متناسب کردن آن با شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گروههای هدف در جوامع مختلف محلی، چند تألیفی کردن نظام برنامه درسی سوادآموزی، توجه به «سوادآموزی از طریق حرفه» در جوامع روستایی، ارتقاء همکاری بین بخشی در برنامه ریزی و اجرای برنامه ها و تعامل بیشتر با سازمان های بین المللی برای مبادله تجربه.

• ارتقاء برابری جنسیتی: همکاری بین بخشی با سازمانها و نهادهای فرهنگی جهت ارتقاء فرهنگ عمومی، انجام اقدامات لازم برای به حداقل رساندن هزینه فرصت آموزش دختران، توجه به توسعه آموزش های فنی و حرفه ای و مهارتی





فصل پنجم:

نتیجه گیری و توصیه ها





نتیجه گیری و توصیه ها :

۵/۱) نتیجه گیری و اصلی ترین یافته ها :

در دوره آموزش پیش از دبستان دستیابی کودکان ۵ ساله به این دوره، فاصله زیادی از هدف گذاری پیش بینی شده دارد. نرخ ثبت نام ناخالص در حدود ۵۵ درصد تصویر نامناسبی را ارایه می کند. به علاوه این نرخ در جوامع روستایی به حدود ۴۹/۶ درصد کاهش یافته است. توجه جدی به آموزش پیش دبستان و سرمایه گذاری بیشتر بخش دولتی در این دوره برای افزایش نرخ ثبت نام و پوشش کاملتر کودکان و دائر شدن مراکز دولتی توسط وزارت آموزش و پرورش برای بهبود شرایط کودکان این دوره باید مورد تأکید قرار گیرد. در ارتباط با مراقبت اوان کودکی همکاری های وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در حدی نبوده است که نیازهای کودکان را در این زمینه برطرف سازد و ضعف هماهنگی های لازم در حوزه

ارایه خدمات به کودکان همچنان مشهود است. این موضوع در زمینه کودکان مناطق روستایی بیشتر محسوس است.

در آموزش پایه (دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی) نرخ ثبت نام خالص در هر دو دوره تحصیلی از مقدار تعیین شده در سند برنامه ملی آموزش برای همه پایین تر است و فاصله تا پوشش کامل دانش آموزان دوره ابتدایی فاصله ای حدود ۲ درصدی دارد. در دوره راهنمایی تحصیلی نیز با فاصله ۱۷ درصدی روبروست. ترک تحصیل دانش آموزان در این دوره ها و پدیده کودکان خارج از مدرسه دو موضوعی است که همواره باید مورد رصد و پایش نظام آموزشی قرار گیرد. همچنین علل و عواملی چون موقعیت منطقه ای، جغرافیایی و قومی و باورهای فرهنگی مؤثر بر آنها مورد شناسایی قرار گیرد و سیاست های متناسب با آن اتخاذ گردد.





ثبت نام ناخالصی دوره های مختلف تحصیلی در مناطق روستایی به تفکیک سال



سواد آموزی بزرگسالان و تغییرات کاهش تعداد بیسوادان در طی سال های (۲۰۱۳-۲۰۰۰) بسیار کند صورت گرفته است. وجود تعداد حدود ۹/۸ میلیون نفر بیسواد در جمعیت ۶ ساله و بالاتر ثبات کمیت آن حداقل در طی این مدت نشان دهنده آن است که نارسایی در شیوه ها و روش های سواد آموزی و بازگشت به بیسوادی از یک طرف بوده است و از طرف دیگر خروج از مدرسه و ترک تحصیل دانش آموزان بخصوص در پایه های اولیه دوره ابتدایی به عنوان عامل دیگری در ثبات کمیت تعداد بیسوادان چنین شرایط نامطلوبی را ایجاد کرده است. در طی دوره ۱۷ ساله (۱۳۷۵-۱۳۹۲) صرفاً کمتر از ۷ درصد بر نرخ باسوادی جمعیت ۶ ساله و بالاتر افزوده شده (سالانه ۰/۴ درصد) و از کمیت تعداد بیسوادان نزدیک به ۱/۷ میلیون نفر کاسته شده است. (سالانه ۱۰۰ هزار نفر).

درخصوص باسوادی جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر نیز شرایط تفاوت چندانی باوضع جمعیت ۶ ساله و بالاتر

افت تحصیلی و وضعیت نرخ گذر از یک دوره تحصیلی به دوره تحصیلی بالاتر عاملی بسیار مؤثر در نارسایی های دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی است.

در آموزش متوسطه علیرغم بهبود برخی از نشانگر ها همچنان درصد قابل توجهی از جمعیت گروه سنی ۱۷-۱۴ ساله این دوره تحصیلی بیرون از مدرسه هستند. به علاوه وضعیت دختران و جمعیت مناطق روستایی در مقایسه با پسران و مناطق شهری شرایط نامناسب تری را دارند. بالاتر از ۷۰ درصد از جمعیت گروه سنی ۱۷-۱۴ ساله در مناطق روستایی و بیش از ۳۰ درصد این گروه سنی در کلیه مناطق بیرون از مدرسه هستند (نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر از جمعیت گروه سنی ۱۷-۱۴ ساله) و اقدامات ناتمام در خصوص بهبود نرخ ثبت نام خالص دانش آموزان متوسطه وجود دارد.



- افزایش دسترسی به دوره پیش دبستان با اختصاص منابع بودجه عمومی دولت به خصوص در مناطق روستایی و محروم کشور
- ایجاد یک نظام جامع آماری و کسب اطلاعات از کم و کیف فعالیت های دستگاه های مختلف در زمینه آموزش و مراقبت های اوان کودکی
- ایجاد ساختاری نظام مند برای هماهنگی بین دستگاه های اجرایی این گونه آموزش ها و انسجام بخشی در فعالیت های اوان کودکی و آموزش پیش دبستانی

۵/۲/۲- آموزش ابتدایی:

- تمرکز برای دستیابی برابر به آموزش در بین دانش آموزان مناطق حاشیه ی شهرها و به خصوص کودکان کار، محروم و بی سرپرست و بدسرپرست.
- استفاده از مشارکت های همه جانبه جامعه محلی و شوراهای شهر و روستا برای شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل و یا ترک تحصیل کرده
- گسترش و توسعه آموزش پیش دبستانی به عنوان یکی از عوامل رفع کاستی های اولیه کودکان در آموزش پایه
- کمک به کودکان کار و خانواده های محروم و فقیر برای کاهش هزینه های فرصت آموزش برای آنان با مشارکت جوامع محلی و مشارکت سازمان های مردم نهاد و خیر
- افزایش شایستگی و صلاحیت های حرفه ای معلمان دوره ابتدایی به خصوص معلمان مناطق روستایی و عشایری و برخورداری آنان از امتیازاتی بالاتر دستمزدی

ندارد و عملکردها نشان از آن دارد که در طی سال های (۱۳۹۲-۱۳۷۵) صرفاً ۶۰۰ هزار نفر از تعداد بیسوادان این گروه سنی کاسته شده است (سالیانه ۳۵ هزار نفر) اما با تغییر ترکیب جمعیتی بر نرخ باسوادی حدود ۱۱/۷ درصد افزوده است (از ۷۳ درصد به ۸۴/۷ درصد).

برابری جنسیتی در اکثر نشانگرهای آموزشی از جمله نرخ ثبت نام خالص و ناخالص دوره های تحصیلی آموزش ابتدایی، آموزش راهنمایی تحصیلی و متوسطه بهبود یافته است، این برابری در جمعیت بزرگسالان باسواد ۱۵ ساله و بالاتر و جمعیت جوان باسواد ۱۵-۲۴ ساله کاملاً مشهود است. به علاوه درصد دختران از کل دانش آموزان در تمامی دوره های تحصیلی افزایش یافته و تا حدودی شرایط دختران در برخورداری از آموزش ها بهبود یافته است. اما تا برابری جنسیتی کامل در بسیاری از نشانگرها هنوز فاصله ای وجود دارد به ویژه آنکه در مناطق روستایی برابری جنسیتی برقرار نبوده و شکاف دختران و پسران در دسترسی به آموزش ها بخصوص در سطوح بالاتر تحصیلی همچنان وجود دارد.

۵/۲ (توصیه ها و پیشنهادها):

۵/۲/۱- آموزش پیش از دبستان:

- اعتبار بخشی هر چه بیشتر به فعالیت های آموزش پیش دبستان و مراقبت های اوان کودکی
- آموزش و بالا بردن انگیزه های مریبان این دوره و توجه بیشتر به مراقبت های اوان کودکی توسط دستگاه های ذیربط



- اصلاح و اجرای دقیق زمان آموزش در این دوره به گونه ای که دانش آموزان از زمان مقرر تعیین شده آموزشی برخوردار بوده و کاستی های یادگیری دانش آموزان در مدرسه برطرف گردد.
- اولویت بخشی به آموزش ابتدایی با افزایش تخصیص منابع مالی به این دوره و همچنین رفع تبعیض های موجود بین ساعات کار و دستمزد معلمان این دوره با دوره های تحصیلی بالاتر
- کیفی ضمن خدمت در آموزش های نظری فنی و حرفه ای رسمی و غیر رسمی
- بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در اجرای برنامه های آموزشی و ایجاد آموزش های مجازی و از راه دور برای تأمین نیازهای آموزشی جوانان و جویندگان کار
- اعتبار بخشی به گواهینامه های مهارت با تغییر در نظام آزمون و سنجش آموزش ها مبتنی بر نیازهای بازار کار

۵/۲/۴- سواد آموزی بزرگسالان

- اصلاح روش ها و محتواهای برنامه ها، سواد آموزی به منظور پایداری سواد در نوسوادان و عدم بازگشت به بیسوادی
- تقویت مشارکت نهادهای دستگاه های اجرایی و تشکل های مردمی در امر سوادآموزی
- بکارگیری تمامی ظرفیت های اجرایی کشور برای کاهش مؤثر تعداد بیسوادان
- تحلیل منظم وضعیت سوادآموزی در کشور و اتخاذ تدابیر لازم برای شناسایی بیسوادان
- ایجاد ظرفیت تحقیقاتی برای ارزیابی سیاست گذاری ها در امر سوادآموزی و ارائه راه حل های بهبود وضعیت سواد در کشور

۵/۲/۵- برابری جنسیتی:

- توسعه ی زمینه های دستیابی و دسترسی دختران به ویژه در مناطق محروم و روستایی و دور افتاده از طریق آموزش های مجازی و غیرحضوری
- جذب نیروهای زن بومی و تربیت آنان برای مناطق محروم روستایی

۵/۲/۳- یادگیری و مهارت های زندگی جوانان و بزرگسالان

- ایجاد و تدوین نظام اطلاعات برای پی گیری ثبت نام و تکمیل آموزش ها در تمامی سطوح
- اصلاح در ساختارها، محتوا، برنامه های درسی و تربیت معلمان با صلاحیت در دوره متوسطه اول و دوم
- تحلیل نیازهای بازار کار و ارتباط تنگاتنگ آموزش های فنی و حرفه ای برای تأمین نیازها و بازار کار
- ارزیابی علل و عوامل محرومیت های آموزشی گروه های حاشیه ای- در مناطق روستایی و دختران
- تقویت مشارکت بخش غیردولتی در اجرای آموزش های رسمی و غیررسمی
- برقراری فرصت های لازم برای بنگاه های اقتصادی و کارفرمایان و تأمین و برقراری آموزش های مورد نیاز شاغلین خود و بازار کار مربوطه
- بهبود کیفیت و فراهم کردن زمینه های دسترسی تمامی معلمان و مربیان به آموزش های



- ایجاد امکانات لازم برای دسترسی کودکان با نیازهای ویژه در مناطق روستایی و محروم
- جلب مشارکت خانوارهای دارای فرزند آسیب دیده و معلول و توجیه آنان برای برخورداری فرزندانشان از خدمات آموزشی
- تأکید بر توسعه و گسترش آموزشی تلفیقی فراگیر
- اصلاح مقررات جذب و تربیت معلمان و عوامل انسانی توانبخشی کودکان استثنایی
- تقویت آموزش خانواده و تغییر در باورها و نگرش های آنان نسبت به کودکان بانیزهای ویژه
- افزایش سرمایه گذاری در آموزش و توان بخشی کودکان با نیازهای ویژه
- مشارکت نهادهای مردمی، انجمن ها و تشکل های خیریه در ارائه خدمات آموزشی و توان بخشی به کودکان استثنایی

- توجه جدی به ویژگی ها و نیازهای خاص دختران در طراحی برنامه های درسی و آموزشی
- توسعه و ارتقاء سطح سلامت جسمی و روحی دختران و توجه به تفاوت های جنسیتی
- ایجاد تسهیلات و فرصت های مناسب لازم جهت ارتقاء سطح تحصیل معلمان زن
- توجه به کیفیت آموزش دختران و ارزیابی نتایج عملکرد یادگیری بین دختران و پسران

۵/۲/۶- کیفیت آموزش :

- تدوین ضوابط و معیارهای استاندارد معلمی - ارزیابی مدارس و عملکرد مدیران آموزشی
- ایجاد نظام سنجش شایستگی ها و صلاحیت های حرفه ای معلمان ، رتبه بندی و ارائه گواهینامه معلمی به آنان
- اصلاح تقویم آموزشی و پایش عملکرد مدارس در زمینه عملیاتی کردن دقیق زمان آموزش
- تغییر و اصلاح برنامه های درسی و آموزشی متناسب باتنوع و ویژگی های جنسیتی و منطقه ای دانش آموزان
- سنجش مستمر میزان دانش، اطلاعات و انگیزه های معلمان
- طراحی و استقرار نظام تربیت معلم متناسب با شرایط و ویژگی های مناطق مختلف کشور
- تلاش برای اعمال فراگیر برنامه تعالی مدیریت مدرسه

۵/۲/۷- آموزش استثنایی و کودکان با نیازهای ویژه :



فهرست منابع

گزارش ها و سالنامه های آماری

- ۱- سند چشم انداز توسعه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی . سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ۱۳۸۲
- ۲- قوانین برنامه های سوم تا پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. ۱۳۹۰ - ۱۳۷۹
- ۳- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش - شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۹۰
- ۴- سند برنامه درسی ملی. شورای عالی آموزش و پرورش . ۱۳۹۲
- ۵- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰. مرکز آمار ایران . ۱۳۹۱
- ۶- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ . مرکز آمار ایران . ۱۳۸۶
- ۷- سالنامه های آماری وزارت آموزش و پرورش : ۱۳۷۹ - ۱۳۹۱. وزارت آموزش و پرورش . مرکز آمار و اطلاع رسانی . ۱۳۹۱ - ۱۳۷۹. سالنامه آماری ایران . مرکز آمار ایران - سال ۱۳۹۱
- ۸- سالنامه های آماری سازمان نهضت سواد آموزی. سازمان نهضت یواد آموزی . ۱۳۹۱ - ۱۳۷۹
- ۹- سالنامه های آماری سازمان آموزش و پرورش استثنایی ۹۱-۱۳۷۹ . سازمان آموزش و پرورش استثنایی. ۱۳۹۱ - ۱۳۷۹
- ۱۰- مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش . دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش . ۱۳۹۰
- ۱۱- نشانگرهای ارزشیابی نظام آموزش و پرورش و استنادهای آن با تأکید بر دانش روز ، منابع انسانی ، منابع مالی، فضا و تجهیزات. مصوبه ی جلسه ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش. ۱۳۹۲
- ۱۲- سند ملی برنامه آموزش برای همه در جمهوری اسلامی ایران. وزارت آموزش و پرورش با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. ۱۳۸۱
- ۱۳- گزارش ارزیابی میان دهه برنامه آموزش برای همه در جمهوری اسلامی ایران. وزارت آموزش و پرورش با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور . ۱۳۸۶
- ۱۴- تعاریف و مفاهیم استاندارد آماری وزارت آموزش و پرورش . مرکز آمار ایران ۱۳۹۰
- ۱۵- وضعیت موجود آموزش و پرورش فنی و حرفه ای در ایران و برخی کشورهای توسعه یافته . مرکز پژوهشی مجلس شورای اسلامی . ۱۳۸۸



- ۱۶- جداول مشخصات و عناوین برنامه های درسی رشته های تحصیلی شاخه کاردانش . سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی - وزارت آموزش و پرورش . ۱۳۸۸
- ۱۷- نگاهی به عملکرد سازمان آموزش و پرورش استثنایی در دو سال اخیر. سازمان آموزش و پرورش استثنایی . ۱۳۹۱
- ۱۸- بررسی چالش های آموزش و پرورش کودکان استثنایی در ایران . سازمان آموزش و پرورش استثنایی . ۱۳۸۷
- ۱۹- مطالعه سیمای سلامت و جمعیت در ایران. موسسه تحقیقات سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران با همکاری معاونت بهداشتی - وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی . تهران . ۱۳۸۹
- ۲۰- گزارش عملکرد سال دوم (سال ۹۱) برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی. فرهنگی ایران - گزارش فرابخشی - سال ۱۳۹۲

اسناد و برنامه ها

- ۱- قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی. مجلس شورای اسلامی . ۱۳۹۰
- ۲- برنامه ریشه کنی بیسوادی در گروه سنی ۴۹-۱۰ ساله در ایران . سازمان نهضت سواد آموزی . ۱۳۹۲
- ۳- برنامه های عملیاتی چهار ساله سلامت کودکان: ۹۵ - ۱۳۹۱. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. ۱۳۹۰
- ۴- سیاست های سواد آموزی در جمهوری اسلامی ایران . مصوبه جلسه ۵۹۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۳۸۵
- ۵- برنامه های سوم (۸۳-۱۳۷۹) - چهارم و پنجم (۸۸ - ۱۳۸۴) (۹۴ - ۱۳۹۰) توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.



پیوست آماری



